**تبارشناسی گفتمان مقاومت در مکتب شهید سلیمانی**

**چکیده**

در تاریخ همواره شاهد ساخته شدن گفتمانهایی بر مبناهای مختلف همچون دینی و عقیدتی، ملی­گرایی­و مقابله با اشغال و تجاوز بوده­ایم و شناسایی دقیق این گفتمانها از نظر پژوهشی و عملی ضرورت اساسی دارد. گفتمان مقاومت در مکتب شهید سلیمانی، که در مقابل قدرت ظالمان و مستکبران در منطقه خاورمیانه شکل گرفته از ابعاد مختلف قابل بررسی و تبیین است. در این پژوهش که داده­های آن با روش اسنادی و بررسی ادبیات مکتوب و شفاهی به جا مانده از سردار سلیمانی بدست آمده، با رویکرد تبارشناسی، به بررسی گفتمان ایشان پرداخته می­شود. به صورت خلاصه،گفتمان شهید سلیمانی در امتداد عاشورا و کربلا و ادامه گفتمان و ادبیات 8 سال دفاع مقدس است. این گفتمان با گفتمان عام­تر مقاومت در منطقه، پیوستگی تام دارد و با مسیر مشخص، نمادها، الفاظ و معانی ویژه­اش، از کربلا شروع شده و در دوره هشت سال دفاع مقدس بازسازی و بعد از آن با عنوان گفتمان مقاومت در منطقه شناخته می شود. بررسی ویژگی ها و سابقه این گفتمان با رویکرد تبارشناسانه، معنا، عمق و مفاهیم آن را، با وضوح بهتر و معنای دقیق­تر مشخص می­کند. همچنین نشان می­دهد که هویت، قدرت و تاثیر گذاریش بر مبنای تبار گفتمانیش یعنی گفتمان حسینی، گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان دفاع مقدس معنا وشناخته می­شود.

**کلمات کلیدی**: تبارشناسی، گفتمان، شهید سلیمانی

**1- مقدمه**

شهید سلیمانی اسطوره­ای بود که احساس غرور را در دل و جان ایرانیان و طرفداران جبهه مقاومت می­افزود. او الگویی در عرصه نظامی، فکری، معرفتی، معنوی برای همگان و نمونه‌­ای برجسته از مدیریت جهادی ­بود. گفتمان ایشان، مجموعۀ منسجم و چند بعدی از جهاد، شهادت، مدیریت، معنویت و ویژگیهای برجستۀ دیگر است که از جنبه­های مختلف قابلیت تبیین دارد. او در مقطعی که داعــش 90 درصــد ســوریه و 58 درصد عراق را گرفت و بــه دیــوار زینبیــۀ دمشــق رســیدند (کاوه، 1398: 85) با نیروهایش به مقابله با آنها پرداخت و با روحیه­بخشی به هم­پیمانان جبهۀ مقاومت، صفحۀ جنگ را به نفع آنها تغییر داد. ایشان فراتر از یک سردار، مجاهد، مدیر میدانی و فردی خود­ساخته و برجسته در ابعاد روحی و معنوی دارای مکتب و گفتمانی است که تاثیرگذاریش بر افراد و جامعه غیر قابل انکار است. معانی، نمادها و نشانه­های گفتمانی ایشان، تصور و فهم خاصی از واقعیات، جهان و مبارزه دارد. همچنین گفتمانش دارای مشخصات تاریخی،اجتماعی، فرهنگی و زیستی و به عبارتی هویت خاصی است که باید به شیوه­های روش­شناسی خاص معنا شود.

گفتمانها یک شبه وجداگانه ایجاد نمی­شوند بلکه از پیشینه و سابقه برخوردارند؛ به عبارت دیگر همانگونه که گفته شده، گفتمانهای پیشین در ایجاد آنها نقش دارند (شعیری،61:1388) که با تجزیه و تحلیل ساده آنها معانی و یافته­های دقیق به دست نمی­آید. ریشه­های شجاعت، مدیریت میدانی جنگ، معنویت و شهادت­طلبی شهید سلیمانی، به گفتمانهایی قبلی مثل گفتمان دفاع مقدس و کربلا برمی­گردد. در تاریخ و در مکاتب دیگر هم افراد شجاع، جنگجو و مدیران میدانی موفق وجود داشته­اند ولی معنای این واژه­ها در گفتمان شهید سلیمانی با آنها متفاوت و دارای عمقی خاص است. ایشان وقتی می­گوید ما پیرو شهادت و ملت امام حسینیم، وقتی شکوه می­کند که از یاران شهیدش جا مانده و در میدان در خطوط مقدم حاضر می­شود، گفتار و رفتاری از او صادر می­شود که معانی دقیقش را باید در فهم گفتمان دفاع مقدس­، کربلا و مکتب امام خمینی وبه عبارتی در پیشینه و تبار گفتمان ایشان یافت.

حقیقت، هویت و معانی گفتمان شهید سلیمانی را می­توان با تحلیل گفتمان، نشانه­شناسی، غیریت­ و دیگر شناسی و توجه به بافت متن و شرایط اجتماعی آن بررسی کرد؛ ولی مشخص است که هیچ کدام شناخت جامع و کاملی از آن ارائه نمی­دهند. تبارشناسی هم یکی از شیوه­های شناخت گفتمان ایشان است که البته ادعای تبیین دقیق و کامل شناخت آن را نمی­تواند داشته باشد. بر اساس تبار شناسی، شناخت حقایق، با بررسی ساختارهای اجتماعی، شکل­بندیهای ذهنی و نگرشهای پدیدارشناسانه و تفسیرگرایانه به دست نمی­آید(نظری،46:1397). میشل فوکو صاحب­نظر و بنیانگذار اصلی این شیوه بررسی گفتمانها و پدیده­ها، می­خواهد به فراسوی نگرشهای موجود برود. او همچنین بر خلاف مارکسیستها بر فرایندهای عمومی تاریخی تاکید نمی­کند بلکه به هویتهای پراکنده تاریخی توجه می­کند(دریفوس و رابینو،14:1379). فوکو در حقیقت یک هویت و گفتمان را با خود به گذشته می­برد و آن را در تحولات گذشته جستجو می­کند.

تبار شناسی میشل فوکو، واقعیت گفتمانها را در تصور و پیشینه تاریخیشان بررسی می­کند. این گونه گفتمان­شناسی ریشه شناخت را در زندگی، جامعه و زبانی می­داند که تاریخ آن راشکل داده­ند(کچوئیان،9:1388). فوکو در تبارشناسی پس از نفی حقیقتهای از پیش آماده، این سئوال را مطرح می­کند که حقایق به دست چه کسانی و با چه نیرویی ساخته شده­اند. او برای پاسخ به این سئوال، حقیقت را ساختنی و ساخته گفتمانهای حاکم بر جامعه می­داند (حسین زاده،27:1394). فوکو اگر چه حقایق را نسبی و تابع قدرت می­داند ولی معتقد است که راه کشف حقایق گفتمانها از شناخت تاریخی آنها می­گذرد(حسین زاده،34:1394) و بررسی ساختارهای اجتماعی و شکل­بندیهای تاریک ذهنی راه کشف حقایق آنها نیست.

این تحقیق می­خواهد با بررسی مفاهیم و ویژگیهای گفتمان شهید سلیمانی، پیوستگی آن را با گفتمان دفاع مقدس، گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان عاشورا وقیام امام حسین ع مشخص کند. در تحقیق تمام سخنرانیها و متون به جا مانده از ایشان مثل وصیت­نامه، بررسی شده و جملات، مفاهیم و مضامینی که در آنها به گفتمانهای ذکر شده اشاره دارد، استخراج و تحلیل می­شود. پژوهشگر می­خواهد از زاویه تبارشناسانه، گفتمان شهید سلیمانی را بررسی کند و تاثیرگذای چند گفتمان و هویت تاریخی گذشته در شکل­گیری و بیان معانی دقیق آن روشن نماید. این شناخت مجموعه رمز و راز و معنای کردارها و چگونگی رفتار شخصی شهید سلیمانی را در عرصه جنگ و مقاومت با وضوح بهتری تبیین می­کند و می­خواهد، دریچه­ایی جدید به فهم شخصیت، عملکرد، معانی و هویت ایشان بگشاید. با این روش می­توان شهید سلیمانی و رفتارهای شخصی و اجتماعیش را در عرصه­های مختلف، شناسایی و معنا کرد. از نگاه محقق عمق معنا و هویت واقعی این گفتمان برگرفته از هویتها و واقعیتهای گفتمانهای دیگری است که قبل از آن ساخته شده­اند و برای فهم دقیق آن باید گذشته و گفتمانهای تاثیر گذار بر آن را دقیق­تر شناخت.

**1-1- تبارشناسی**

ﺗﺤﻘﻴﻘـﺎت ﺟﺎﻣﻌـﻪ ﺷﻨﺎﺳانه ﺑﺎﻳﺪ ﺑﻪ ﮔﻮﻧﻪ ﺧﺎص از ﺗﺎرﻳﺦ ﺑﻬﺮه ﮔﻴﺮند و از ﺗـﺎرﻳﺦ ﻧﮕـﺎري ﺑﭙﺮﻫﻴـﺰند و راه ﺟﺪﻳـﺪي را ﺑﮕﺸﺎﻳند. به همین دلیل اﺳﺖ ﻛﻪ بیشترداﻧﺸﻤﻨﺪان ﺟﺎﻣﻌﻪ ﺷﻨﺎس در دوره ﻫﺎي ﺣﻴﺎت ﺧﻮد ﺟﺰ روش ﺗﺎرﻳﺨﻲ روشهای دﻳﮕﺮ را در ﺗﺤﻘﻴﻘـﺎت ﺧﻮد کمترﻣﻮرد اﺳﺘﻔﺎده ﻗﺮار داده اﻧﺪ(مرتضوی،173:1352). تبارشناسی((Genealogy مفهوم مطرح­شده توسط میشل فوکو (Foucault) است که ﺑﻪ اﻗﺘﻀا ي روﻳﻜﺮد ﻋﻠﻤﻲ ﺧﻮد ﻧﻤﻮدﻫﺎي واﻗﻌﻴﺖ را از ﺣﺎل ﺑﻪ ﮔﺬﺷﺘﻪ ﺑﺮرﺳﻲ و دﻧﺒﺎل ﻣﻲ ﻛﻨـﺪ. فوکو ﺑﻪ دﻧﺒﺎل ﺗﺎرﻳﺦ واژﮔﻮن ﺷﺪه اﺳﺖ. ﻳﻌﻨﻲ روشﺧﻮد را از ﺣﺎل ﺑﻪ ﺳﻤﺖ ﮔﺬﺷﺘﻪ ﺑـﺮده و با آن ﭘﻴﻮﻧـﺪ ﻣﻲزﻧﺪ. ﺑﺮ ﻫﻤﻴﻦ ﻣﺒﻨﺎ در ﺗﺤﻠﻴﻞ ﺧﻮد از روش ﺗﺒﺎر ﺷﻨﺎﺳﻲ ﺳﻮد ﻣﻲ ﺟﻮﻳﺪ. روشی که ﺑـﺮ ﺧﻼف راﻫﺒﺮدﻫﺎي ﺗﺎرﻳﺦ ﺳﻨﺘﻲ ﺑﻪ دﻧﺒﺎل ﻫﻴﭻ ﮔﻮﻧﻪ ﮔﻮﻫﺮ ﭘﺎﻳﺪار و ﻣﺎﻫﻴﺖ ﻏﻴﺮ ﻗﺎﺑـﻞ ﺗﻐﻴﻴـﺮي در جامعه ﻧﻴـﺴﺖ(ضمیران،36:1381).

ﻓﻮﻛﻮ ﺑﻪ ﻣﻨﻈﻮﺭ ﺗﻜﻤﻴﻞ ﺩﻳﺮﻳﻨﻪ ﺷﻨﺎﺳــﻰ(archaeology ) ﺑﻪ ﺗﺒﺎﺭﺷﻨﺎﺳــﻰ ﺭﻭﻯ ﺁﻭﺭﺩ. ﺑﻪ ﻋﺒﺎﺭﺗﻰ، ﺗﺒﺎﺭﺷﻨﺎﺳــﻰ، ﺩﺭ ﻣﻘﺎﻳﺴــﻪ ﺑﺎ ﺩﻳﺮﻳﻨﻪ ﺷﻨﺎﺳﻰ، ﺭﻭﺵ ﺗﺎﺯﻩ ﻭ ﺟﺪﻳﺪﻯ ﻣﺤﺴﻮﺏ ﻧﻤﻰ ﺷﻮﺩ، ﺑﻠﻜﻪ ﺑﺮ ﻫﻤﺎﻥ ﺑﻨﻴﺎِﻥ ﺩﻳﺮﻳﻨﻪ ﺷﻨﺎﺳﻰ ﻗﺮﺍﺭ ﺩﺍﺩﻩ ﺷﺪﻩ ﻭ ﻫﺪﻑ آن، ﺭﻓﻊ ﻧﻘﺎﻳﺺ ﺭﻭﺵ ﺩﻳﺮﻳﻨﻪ ﺷﻨﺎﺳﻰ ﺑــﻮﺩﻩ ﺍﺳــﺖ. دﻳﺮﻳﻨﻪ ﺷﻨﺎﺳﻲ و ﺗﺒـﺎر ﺷﻨﺎﺳـﻲ ﻣﻜﻤـﻞ ﻳﻜﺪﻳﮕﺮﻧﺪ و ﻫﻴﭻ ﮔﺴﺴﺘﻲ ﺑﺮاي اﻳﻦ دو ﻣﺘﺼﻮر ﻧﻴـﺴﺖ. ﺑـﺎ اﻳـﻦ ﺣـﺎل در ﺗﺒﺎرﺷﻨﺎﺳـﻲ ﺑـﺮ رواﺑـﻂ ﻏﻴـﺮ ﮔﻔﺘﻤﺎﻧﻲ ﺗﻜﻴﻪ ﻣﻲ ﺷﻮد. ﻧﮕﺎه دﻳﺮﻳﻨﻪ ﺷﻨﺎﺳﺎﻧﻪ ﺑﻪ ﻋﻠﻢ ﺑﻪ ﻋﻨﻮان ﺗﻨﻬﺎ ﻳﻜﻲ از اﺷﻜﺎل ﻓﻌﻠﻴﺖ ﺻـﻮرﺗﺒﻨﺪي ﮔﻔﺘﻤـﺎﻧﻲ ﺑـﻪ ﺻﻮرﺗﻲ ﺑﻲﻃﺮﻓﺎﻧﻪ ﻧﮕﺮﻳﺴﺘﻪ ﻣﻲﺷﻮد. اﻣﺎ در ﺗﺒﺎر ﺷﻨﺎﺳﻲ ﻧﮕﺮﺷﻲ اﻧﺘﻘﺎدي ﭘﺪﻳﺪ ﻣﻲآﻳﺪ ﻛﻪ در آن ﺑـﺮ ﺗﺎﺛﻴﺮات ﻗﺪرت ﺗﺎﻛﻴﺪ ﮔﺬاﺷﺘﻪ ﻣﻲﺷﻮد. ﻧﮕﺮش ﺗﺎرﻳﺨﻲ ﻓﻮﻛﻮ ﺑﻪ ﻫـﺮ ﺣـﺎل در ﻫـﺮ دو روش ﻳﻜـﺴﺎن است (دریفوس، 22:1382). ﺗﺒﺎرﺷﻨﺎﺳﻲ ﺑﻪ ﻣﺜﺎﺑﻪ روﺷﻲ ﻧﻈﺮی، ﭘﺪﻳﺪهﻫﺎ را در ﺗﻄـﻮر ﺗـﺎرﻳﺨﻲﺷـﺎن ﺑﺮرﺳـﻲ ﻣـﻲﻛﻨـﺪ و با ﺷﻨﺎﺳﺎﻳﻲ ﺻﻮرﺗﺒﻨﺪي ﺗﺎرﻳﺨﻲ ﭘﺪﻳﺪه ﻫﺎ، ﺟﺎﻳﮕﺎه اﻧﺘﻘﺎدي ﻣﻨﺎﺳبی ﺑﺮاي ﻓﻬﻢ ﺷـﺮاﻳﻂ ﻛﻨـﻮﻧﻲ آن ﭘﺪﻳـﺪ فراهم ﻣـﻲآورد. در واﻗﻊ ﺗﺒﺎرﺷﻨﺎس می­ﻛﻮﺷﺪ ﺗﺎ ﺑﺎ ﻗﺮار دادن ﻣﻮﺿﻮع پژوهش خود در شرایط مختلف فرﻫﻨﮕﻲ و اﺟﺘﻤﺎﻋﻲ شکل­گیری و ﭘﺪﻳـﺪار ﺷـﺪن ﻣﻮﺿـﻮع و ﭼﺮاﻳﻲ آن را درﻳﺎﺑﺪ(امن­خانی،188:1389).

ﻧﻴﭽـﻪNietzsche) ) اوﻟـﻴﻦ و ﺑـﺰرگﺗـﺮﻳﻦ ﻧﻈﺮﻳـﻪﭘـﺮداز ﺗﺒﺎرﺷﻨﺎﺳﻲ اﺳﺖ و ﺗﺄﺛﻴﺮ اﻧﻜﺎرﻧﺎﭘﺬﻳﺮ ﺑﺮ ﻓﻮﻛﻮ در این موضوع دارد. اﻫﻤﻴﺖ آﻏﺎز ﺗﺎرﻳﺨﻲ ﻣﺴﺎﺋﻞ ﺑـﺮاي او زﻣﻴﻨﺔ ﭘﻴﺪاﻳﺶ ﻣﻄﺎﻟﻌﺔ ﺗﺎرﻳﺦ را ﻓﺮاﻫﻢ آورد ﻛﻪ ﻧﻴﭽﻪ ﺑﺎ ﺗﺤﻠﻴﻞ ﺧﺎص ﺧـﻮد آن را ﺗﺒﺎرﺷﻨﺎﺳـﻲ ﺧﻮاﻧﺪ. ﻧﻴﭽﻪ ﺗﺒﺎرﺷﻨﺎﺳﻲ را درﻣﻄﺎﻟﻌﺔ ﺗﺎرﻳﺦ ﺑﻪ ﻛﺎر ﮔﺮﻓﺖ ﺗﺎ ﻧﺸﺎن دﻫﺪ ﺗﻌﺮﻳـﻒ ﻣﻔـﺎﻫﻴﻢ ﺑـﺮ ﻣﺒﻨﺎي ذاﺗﻲ آنها و ﺗﻮﺻﻴﻒ ﻣﻔﺎﻫﻴﻢ ﺑﺎ ﺻﻔﺖ ﺧﻮب ﻳﺎ ﺑﺪ رﻳﺸﻪ در ﺧﺎﺳﺘﮕﺎﻫﻲ ﺗﺎرﻳﺨﻲ دارد(سایمونز،50:1390). او ﺣﻘﻴﻘﺖ را ﭘﺪﻳﺪه­ای ﺗﺎرﻳﺨﻲ داﻧﺴﺖ ﻛﻪ در ﺗـﺎرﻳﺦ ﺷـﻜﻞ ﻣـﻲ ﮔﻴـﺮد و ﻧﻤﻲ ﺷﻮد ﻫﻴﭻ ﺗﻌﺮﻳﻒ ﺛﺎﺑﺘﻲ ﺑﺮاي آن ﺑﻴﺎن ﻛـﺮد. ﺑﺎ ﭼﻨﻴﻦ ﺗﻌﺮﻳﻔﻲ از ﺣﻘﻴﻘﺖ و ﻧﺤﻮة ﺑﻘﺎي آن، روﺷﻲ ﻛﻪ ﻧﻴﭽﻪ ﺑﺮاي ﺗﻮﺻﻴﻒ ﺣﻘﻴﻘﺖ ﺑﻪ ﻛـﺎر ﮔﺮﻓﺖ این بود که در ﭘﻲ ﻳﺎﻓﺘﻦ ﻣﻨﺸﺎﺋﻲ ﺛﺎﺑﺖ و ﻗﻄﻌﻲ ﺑـﺮاي ﭘﺪﻳـﺪهﻫـﺎ ﻧﺒـﻮد؛ ﭼـﺮا ﻛـﻪ آنﻫـﺎ را ﺣﺎﺻﻞ ﺧﺎﺳﺘﮕﺎهﻫﺎي ﻣﺘﻌﺪدي ﻣﻲداﻧﺴﺖ ﻛﻪ ﻫﺮﮔﺰ ﺑﺎ ﺧﻂ ﺳـﻴﺮ واﺣـﺪ ﻧﻤـﻲﺗـﻮان آنها را درﻳﺎﻓﺖ (اسمارت،71:1385).

از نظر فوکو ﺗﺒﺎﺭﺷﻨﺎﺳﻰ، ﻳﻚ ﺗﻜﻨﻴِﻚ ﺭﻭﺷِﻰﺻﺮﻑ(Method ) ، ﻣﺎﻧﻨﺪ ﺗﻜﻨﻴﻚ ﭘﺮﺳﺸــﻨﺎﻣﻪ، ﺑﺮﺍﻯ ﻣﻄﺎﻟﻌﻪ ﭘﺪﻳﺪﻩ ﻫﺎ ﻧﻴﺴــﺖ، ﺑﻠﻜﻪ، ﻓﺮﺍﺗﺮ ﺍﺯ ﺁﻥ، ﻧﻮﻋﻰ ﺟﻬﺖ ﮔﻴﺮﻯ ﻧﺴــﺒﺖ ﺑﻪ ﭘﺪﻳﺪﻩ ﺭﺍ ﺩﺭ ﺧﻮﺩ ﺩﺍﺭﺩ ﻛﻪ ﺑﻪ ﻧﺘﺎﻳﺞ ﺣﺎﺻﻠﻪ ﺍﺯ ﺁﻥ ﺟﻬﺖ می­دهد. تبارشناسی ﺍﺯ ﺣﻴﺚ ﺭﻭﺵ ﺷﻨﺎﺧﺘﻰ، ﻧﺴﺒﺖ ﺑﻪ ﭘﺪﻳﺪﻩ ﻣﻮﺭﺩﻣﻄﺎﻟﻌﻪ ﺧﻨﺜﻰ ﻧﻴﺴﺖ ﻭ ﺣﺘﻰ ﻣﻰ ﺗﻮﺍﻥ ﺍﺩﻋﺎ ﻛﺮﺩ ﻛﻪ بیش ﺍﺯ ﺁﻥ ﻛﻪ ﺗﻜﻨﻴﻚﻫﺎﻯ ﺭﻭﺵ ﺷــﻨﺎﺧﺘﻰ ﺩﺭ ﺧﻮﺩ ﺩﺍﺷــﺘﻪ ﺑﺎﺷﺪ، ﻳﻚ ﺟﻬﺖ ﮔﻴﺮﻯ ﻧﻈﺮﻯ ﺑﺮﺍﻯ ﻣﺸﺎﻫﺪﻩ ﭘﺪﻳﺪﻩ ﺍﺳﺖ ﻛﻪ ﺁﻥ ﺭﺍ ﺩﺭ ﭼﺎﺭﭼﻮﺏ ﻣﻔﻬﻮﻣﻰ ﺗﺎﺯﻩ ﺍﻯ ﻗﺮﺍﺭ ﻣﻰ ﺩﻫﺪ(کچوئیان،9:1388). ﻭﻳﮋﮔﻰ ﻣﻨﺤﺼﺮبه فرﺩ ﭼﺎﺭﭼﻮﺏ ﻧﻈﺮﻯ ـ ﺭﻭﺷﻰ ﺗﺒﺎﺭﺷﻨﺎﺳﻰ، ﺗﺎﺭﻳﺨﻰ ﺩﻳﺪِﻥ ﭘﺪﻳﺪﻩ ﻣﻮﺭﺩﻣﻄﺎﻟﻌﻪ ﺍﺳــﺖ، ﺯﻳﺮﺍ ﻫﺮ ﺷــﻨﺎﺧﺘﻰ، ﺭﻳﺸــﻪ ﺩﺭ ﺯﻧﺪﮔﻰ، ﺟﺎﻣﻌﻪ ﻭ ﺯﺑﺎﻧﻰ ﺩﺍﺭﺩ ﻛﻪ ﺗﺎﺭﻳﺦ ﺭﺍ ﺗﺸﻜﻴﻞ ﻣﻰ ﺩﻫﺪ(فوکو،26:1388). ﺗﺒﺎﺭﺷﻨﺎﺳــﻰ، ﻣﺪﻋﻰ ﺍﺳﺖ ﻛﻪ ﻳﻚ ﭘﺪﻳﺪﻩ، ﻫﻤﻮﺍﺭﻩ ﺑﻪ ﻫﻤﻴﻦ ﺷﻜﻠﻰ ﻛﻪ ﺩﺭ حال حاضر هست نبوده است و آن را در یک تطور تاریخی مورد مطالعه قرار می­دهد.

فوکو ﺩﺭ ﻣﺮﺣﻠــﻪ ﺍﻭﻝ ﺣﻴﺎﺕ ﻓﻜﺮﻯ ﺍﺵ، ﺍﻣﺮ ﺍﺟﺘﻤﺎﻋﻰ ﺭﺍ ﻣﻨﻄﺒﻖ ﺑﺮ ﺍﻣﺮ ﮔﻔﺘﻤﺎﻧﻰ ﻣﻰ ﺩﺍﻧﺴــﺖ .ﮔﻔﺘﻤﺎﻥ، ﻫﻤﺎﻥ ﺟﺎﻣﻌﻪ ﺍﺳــﺖ .ﻫﻴﭻ ﭼﻴﺰ ﺧﺎﺭﺝ ﺍﺯ ﮔﻔﺘﻤﺎﻥ ﻭﺟﻮﺩ ﻧﺪﺍﺭﺩ .ﮔﻔﺘﻤﺎﻥ، ﻧﻈﺎﻡ ﺧﻮﺩﺑﻨﻴﺎﺩﻯ ﺍﺳﺖ ﻛﻪ ﺑﻪ ﻋﻤِﻞ ﻋﺎﻣﻼﻥ ﺍﺟﺘﻤﺎﻋﻰ ﺷــﻜﻞ ﻣﻰ ﺩﻫﺪ. ﺗﻨﻬﺎ ﻭﻇﻴﻔﻪ محقق ﺩﺭ ﺍﻳﻦ ﻣﺮﺣﻠﻪ، ﺷﻨﺎﺳــﺎﻳِﻰ ﺍﺣﻜﺎﻡ ﻭ ﮔﺰﺍﺭﻩ ﻫﺎﻯ ﮔﻔﺘﻤﺎﻧِﻰ ﺩﺭ ﻫﺮ ﺩﻭﺭﻩ ﺍﺳــﺖ .ﻛﺎﻓﻰ ﺍﺳــﺖ ﺍﺣﻜﺎﻡ ﻭ ﮔﺰﺍﺭﻩ ﻫﺎ ﺷﻨﺎﺳــﺎﻳﻰ ﺷﻮﻧﺪ ﺗﺎ ﻣﻨﻄﻖ ﺗﺤﻮﻻﺕ ﺍﺟﺘﻤﺎﻋﻰ ﻭ ﭼﺮﺍﻳِﻰ ﻋﻤِﻞ ﻋﺎﻣﻼﻥ ﺍﺟﺘﻤﺎﻋﻰ ﻓﻬﻤﻴﺪﻩ ﺷﻮﺩ. پس از آن فوکو به ﺗﺒﺎﺭﺷﻨﺎﺳﻰ که ﻓﻬﻢ ﺧﺎّﺻﻰ ﺍﺯ ﺗﺎﺭﻳﺦ ﺩﺭ ﺧﻮﺩ ﺩﺍﺭﺩ، رو آورد. ﻳﻜﻰ ﺍﺯ ﺭﺍﻩ ﻫﺎِﻯ ﺷﺮﻭﻉ ﺑﺤﺚ ﺍﺯ ﺗﺒﺎﺭﺷﻨﺎﺳﻰ، ﺗﺤﻠﻴﻞ ﭘﺮﺳﺶﻫﺎﻳﻰ ﺍﺳﺖ ﻛﻪ ﺩﺭ ﻣﻮﺭﺩ ﺗﺎﺭﻳﺦ مطرح میشود. ﺍﺯ ﺍﻳﻦ ﻣﻨﻈﺮ، ﺩﻭ ﺩﺳﺘﻪ ﭘﺮﺳﺶ ﺩﺭ ﻣﻮﺭﺩ ﺗﺎﺭﻳﺦ ﻣﻄﺮﺡ ﻣﻰ ﺷﻮﺩ: ﭘﺮﺳــﺶ ﻫﺴﺘﻰ ﺷﻨﺎﺳــﺎﻧﻪ ﻭ ﭘﺮﺳﺶ ﻣﻌﺮﻓﺖ ﺷﻨﺎﺳﺎﻧﻪ (نوذری141:1380). ﺩﺭ ﻭﺍﻗﻊ، ﻭﺟﻪ ﺗﻔﺎﻭﺕ ، ﺗﻌﻴﻴﻦ ﻭ ﺷﻨﺎﺳﺎﻳﻰ ﺁﻥ ، ﻣﺴــﺌﻠﻪ ﺍﻯ ﺍﺳــﺖ ﻛﻪ ﺑﺎﻳﺪ ﻣﻮﺭﺩ ﺑﺮﺭﺳﻰ ﻗﺮﺍﺭ ﮔﻴﺮﺩ. ﺩﺭ اینجا پرسش معرفت­شناسانه در باره فهم یک گفتمان است که چگونه شکل گرفته و چه تبار و پیشینه­ایی دارد.

**1-2- ده مرحله روش تبارشناسی[[1]](#footnote-1)**

فوکو برای تبارشناسی ده مرحله یا گام مطرح می­کند که به اختصارعبارتند از:

1-ﺷﻨﺎﺳﺎﻳﻰ ﻣﺴﺌﻠﻪ

2- ﺳﻮﺍﺑﻖ ﻣﻮﺿﻮﻉ

3-شناسایی درجه صفر. یعنی شناسایی مبدا، ﺗﺒﺎﺭﺷــﻨﺎﺱ، ﭘﺪﻳــﺪﻩ یا گفتمان ﻣﻮﺭﺩ ﻣﻄﺎﻟﻌﻪ ﺍﺵ ﺩﺭ ﺯﻣﺎﻥ ﺣﺎﻝ ﺭﺍ ﺩﺭ ﺗﺎﺭﻳــﺦ ﺑﻪ ﻋﻘﺐ ﺑﺎﺯ ﻣﻰﮔﺮﺩﺍﻧﺪ . این ﺑﺎﺯﮔﺸــﺖ ﺑﻪ ﻋﻘﺐ، ﺗﺎ ﺁﻧﺠــﺎ ﺍﺩﺍﻣﻪ ﻣﻰ ﻳﺎﺑﺪ ﻛﻪ ﺗﺼﻮﺭ ﺍﺯ ﭘﺪﻳﺪﻩ، ﺩﻳﮕﺮ ﺩﻳﺪﻩ ﻧﻤﻰ ﺷــﻮﺩ ﻭ ﻭﺟﻮﺩ ﻧﺪﺍﺭﺩ .ﺑﻪ ﻋﺒﺎﺭﺗﻰ، ﺗﺒﺎﺭﺷــﻨﺎﺱ، ﺩﺭ ﻣﺮﺣﻠﻪ ﺩﻳﺮﻳﻨﻪ ﺷﻨﺎﺳﺎﻧﻪ ﺍﺯ ﻛﺎﺭﺵ، ﺗــﺎ ﺁﻧﺠــﺎ ﺑﻪ ﻋﻘﺐ ﺑــﺎﺯ ﻣﻰ ﮔﺮﺩﺩ ﻛﻪ ﺍﻭﻟﻴﻦ ﺻﻮﺭﺕ ﺑﻨﺪِﻯ ﺍﺯ ﭘﺪﻳﺪﻩ ﺭﺍ ﺷﻨﺎﺳــﺎﻳﻰ ﻛﻨﺪ ﻭ ﻣﺎﻗﺒِﻞ ﺁﻥ ﻟﺤﻈﻪ ﺗﺎﺭﻳﺨﻰ، ﭘﺪﻳﺪﻩ، ﺩﺭ ﺩﻝ ﺗﺎﺭﻳﺦ ﻣﺤﻮ ﺷــﻮﺩ ﻭ ﺩﻳﺪﻩ ﻧﺸــﻮﺩ.

4- ﻛﺸﻒ ﮔﻔﺘﻤﺎﻥ ﻫﺎ. ﺗﺒﺎﺭﺷﻨﺎﺱ ﺩﺭ ﻧﻘﻄﻪ درجه صفرﻣﺘﻮﻗﻒ ﻧﻤﻰ ﺷﻮﺩ، ﺑﻠﻜﻪ ﺍﺯ ﻣﺴﻴﺮ ﻋﻘﺐ ﺭﻓﺘﻪ ﺑﻪ ﺳــﻤﺖ ﺯﻣﺎﻥ ﺣﺎﻝ ﺑﺎﺯ ﻣﻰ ﮔﺮﺩﺩ وﭘﺲ ﺍﺯ ﺷﻨﺎﺳﺎﻳﻰ ﺑﺎ ﺟﺪﺍ ﺷــﺪﻥ ﺍﺯ ﺩﺭﺟﻪ ﺻﻔﺮ، ﺍﻭﻟﻴﻦ ﮔﺰﺍﺭﻩ ﻫﺎ ﻭ ﺍﺣﻜﺎﻡ ﺩﺭ مورد گفتمان و پدیده مورد مطالعه شناسایی می­شوند. ﺗﺒﺎﺭﺷﻨﺎﺱ، ﺑﺎﺯﮔﺸﺖ ﺑﻪ ﺯﻣﺎﻥ ﺣﺎﻝ ﺭﺍ ﻫﻤﭽﻨﺎﻥ ﺍﺩﺍﻣﻪ ﻣﻰ ﺩﻫﺪ ﺗﺎ ﺩﺭ ﻧﻘﻄﻪ ﮔﺴﺴﺖ ﺩﻳﮕﺮﻯ، ﻧﺸﺎﻧﻰ ﺍﺯ ﺍﺣﻜﺎﻡ ﻭ ﮔﺰﺍﺭﻩ ﻫﺎﻯ ﻣﺘﻔﺎﻭﺗﻰ ﻧﺴــﺒﺖ ﺑﻪ ﭘﺪﻳﺪﻩ ﺑﻪ ﺩﺳــﺖ ﺁﻭﺭﺩ ﻭ ﺻﻮﺭﺕ ﺑﻨﺪﻯ ﺩﻳﮕﺮﻯ ﺍﺯ ﺁﻥ ﺭﺍ ﺷﻨﺎﺳــﺎﻳﻰ ﻛﻨﺪ. ﺍﻳﻦ ﺭﻭﻧﺪ ﺗﺎ ﺯﻣﺎِﻥ ﺣﺎﺿﺮ، ﺭﻭﺯﮔﺎﺭﻯ ﻛﻪ ﺗﺒﺎﺭﺷﻨﺎﺱ ﻣﺴﺌﻠﻪ ﺍﺵ ﺭﺍ ﺍﺯ ﺁﻥ ﺑﺮﮔﺮﻓﺘﻪ ﺍﺳﺖ، ﺍﺩﺍﻣﻪ ﻣﻰ ﻳﺎﺑﺪ.

5- ﺗﺤﻠﻴﻞ ﮔﺴﺴﺖ. ﺗﺒﺎﺭﺷﻨﺎﺱ ﺍﺣﻜﺎﻡ ﻭ ﮔﺰﺍﺭﻩ ﻫﺎﻳﻰ ﺭﺍ ﻛﻪ ﺩﺭ ﻳﻚ ﺩﻭﺭﻩ ﺗﺎﺭﻳﺨﻰ، ﺻﻮﺭﺕ ﺑﻨﺪﻯ ﺧﺎﺻﻰ ﺍﺯ ﭘﺪﻳﺪﻩ ﺭﺍ ﺷﻜﻞ ﻣﻰ ﺩﻫﻨﺪ ، ﺷﻨﺎﺳﺎﻳﻰ ﻣﻰ ﻛﻨﺪ .ﻟﺤﻈﻪ ﮔﺴﺴﺖ، ﻟﺤﻈﻪ ﺍﻯ ﺍﺳﺖ ﻛﻪ ﺩﻳﮕﺮ ﺁﻥ ﺻﻮﺭﺕ ﺑﻨــﺪﻯ، ﺍﺩﺍﻣــﻪ ﭘﻴﺪﺍ ﻧﻤﻰ ﻛﻨﺪ، ﺩﺭﺣﺎﻟﻰ ﻛﻪ ﻣﻄﺎﺑﻖ ﺑﺎ ﻣﻨﻄﻖ ﺣﺎﻛﻢ ﺑﺮ ﺍﺣﻜﺎﻡ ﻭ ﮔﺰﺍﺭﻩ ﻫﺎﻯ ﺷــﻜﻞ ﺩﻫﻨﺪﻩ ﭘﺪﻳــﺪﻩ ﺩﺭﺁﻥ ﺩﻭﺭﻩ ﺧﺎﺹ، ﻣﻰ ﺑﺎﻳﺪ ﺗﺪﺍﻭﻡ ﭘﻴﺪﺍ ﻛﻨــﺪ .ﺩﺭﻋﻮﺽ، ﺻﻮﺭﺕ ﺑﻨﺪﻯ ﺟﺪﻳﺪ ﺍﺯ ﭘﺪﻳﺪﻩ ﺷــﻜﻞ ﻣﻰ ﮔﻴﺮﺩ ﻛﻪ ﻣﺘﻀﻤﻦ ﻇﻬﻮﺭ ﺍﺣﻜﺎﻡ ﻭ ﮔﺰﺍﺭﻩ ﻫﺎﻯ ﺗﺎﺯﻩ ﺍﻯ ﺍﺳــﺖ .ﭘﺪﻳﺪﻩ، ﮔﺴﺴــﺘﻪ ﻧﻤﻰ ﺷﻮﺩ، ﺑﺪﻳﻦ ﻣﻌﻨﺎ ﻛﻪ ﺑﺮﻳﺪﻩ ﻳﺎ ﻗﻄﻊ ﺷﻮﺩ، ﺑﻠﻜﻪ ﺩﺭ ﻣﺴﻴﺮ ﺗﺎﺯﻩ ﺍﻯ ﻗﺮﺍﺭ ﻣﻰ ﮔﻴﺮﺩ .ﺍﻳﻦ ﻣﺴﻴﺮ ﺗﺎﺯﻩ، ﺍﺯ ﺁﻧﺠﺎ ﻛﻪ ﺭﻳﺸــﻪ ﺩﺭ ﻣﺴــﻴﺮ ﭘﻴﺸﻴﻦ ﺩﺍﺭﺩ، ﺩﺭ ﭘﻴﻮﺳﺖ ﺑﺎ ﻗﺒﻞ ﺍﺳــﺖ، ﺍﻣﺎ ﭼﻮﻥ ﺩﺭ ﻣﺴﻴﺮ ﭘﻴﺸﻴﻦ ﺗﺪﺍﻭﻡ ﻧﻴﺎﻓﺘﻪ، ﺍﺯ ﺍﻳﻦ ﺭﻭ ﺩﭼﺎﺭ ﮔﺴﺴﺘﮕﻰ ﺍﺳﺖ.

6- ﺗﺤﻠﻴﻞ ﺗﺒﺎﺭ. ﺩﺭ ﻭﺍﻗﻊ، ﺷﻜﻞ­های ﺑﺎﺯﺳﺎﺯﻯ ﺷﺪﻩ ﻭﺣﺪﺕ ﻳﺎﻓﺘﻪ ﺍﻯ ﺍﺯ ﺁﻥ ﺁﻏﺎﺯ، ﻣﺘﻜﺜﺮ ﺑﺎ ﺭﺧﺪﺍﺩﻫﺎﻯ ﺧﺮﺩ ﻭ ﻛﻮﭼﻚ ﻭ ﮔﺎﻩ ﺧﻄﺎ ﻭ ﻣﺘﻨﺎﻗﺾ ﺍﺳــﺖ .ﻭﻇﻴﻔﻪ ﺗﺒﺎﺭﺷﻨﺎﺳــﻰ، ﺑﺮﻣﻼﻛﺮﺩِﻥ ﺍﻳﻦ ﺷﻜِﻞ ﺑﺎﺯﺳﺎﺯﻯ ﺷﺪﻩ ﺍﺳﺖ .ﺩﺭ ﺗﺒﺎﺭﺷﻨﺎﺳﻰ، ﻣﺒﺪﺃ، ﺳﺎﺩﻩ ﻧﻴﺴﺖ، ﺑﻠﻜﻪ ﭘﻴﭽﻴﺪﻩ ﺍﺳﺖ.

7- ﺗﺤﻠﻴﻞ ﺗﺼﺎﺩﻑ. پدیده­ها وگفتمانها به شکل عقلانی و با سازوکارهای منظم در تاریخ شکل نمی­گیرند، بلکه تصادف­ها و پیشامدها در آن تاثیر داشته­اند که محقق باید به شناسایی و تحلیل آنها اقدام کند.

8- ﺗﺤﻠﻴﻞ ﻗﺪﺭﺕ. ﻗﺪﺭﺕ ﻣﻤﻜﻦ ﺍﺳــﺖ ﺩﺭ ﻳﻚ ﺳﺨﻨﺮﺍﻧﻰ ﻭ ﺩﺭ ﻣﺤﻞ ﺗﺮﻳﺒﻮﻥ، ﺑﺎ ﻭﺍﺳﻄﻪ ﺍﻳﺪﺋﻮﻟﻮژﻯ، ﺍﻓﺮﺍﺩ ﺭﺍ ﺑﺎ ﺧﻮﺩ ﻫﻤﺮﺍﻩ ﻛﻨﺪ، ﺍﻣﺎ ﺩﺭ ﻳﻚ ﺳﺎﺯﻣﺎﻥ، ﺍﻳﻦ ﻗﻮﺍﻋﺪ ﻭ ﻣﻘﺮﺭﺍﺕ ﺳــﺎﺯﻣﺎﻧﻰ ﻫﺴــﺘﻨﺪ ﻛﻪ ﺍﻓﺮﺍﺩ ﺭﺍ ﻣﻄﻴﻊ ﻣﻰ ﻛﻨﻨﺪ، ﻧﻪ ﺍﻳﺪﺋﻮﻟﻮژﻯ؛ ﻭ ﺗﺄﺛﻴﺮ ﻗﺪﺭﺕ ﺑﺮ ﺑﺪﻥ ﻫﺎ، ﺑﻪ ﻭﺍﺳﻄﻪ ﺧﺸﻮﻧﺖ ﻭ ﺳﺮﻛﻮﺏ ﻧﻴﺴﺖ .ﻗﺪﺭﺕ ﻓﻮﻛﻮﻳﻰ، ﺗﻌﻴﻴﻦ ﻧﺴﺒﺖ ﻳﻚ ﻧﻴﺮﻭ ﺑﺎ ﻧﻴﺮﻭﻳﻰ ﺩﻳﮕﺮ ﺍﺳﺖ. منظورفوکو از قدرت بر خلاف معانی معمول از قدرت، از جزء به کل پدیدآمدن قدرت است. ﻧﻬﻔﺘﻪ ﺩﺭ ﻭﺭﺍِﻯ ﭘﺪﻳﺪﻩ ﻫﺎ ﻧﻴﺴــﺖ، ﻟﺬﺍ ﺁﻧﭽﻪ ﺑﻪ ﻋﻨﻮﺍﻥ ﻭﺍﺣﺪ ﺗﺤﻠﻴﻞ ﺧﻮﺩ ﺍﻧﺘﺨﺎﺏ ﻣﻰ ﻛﻨﺪ، ﺟﺰﺋﻴﺎﺕ ﻛﻮﭼﻚ، ﺟﺎﺑﻪ ﺟﺎﻳﻰ ﻫﺎﻯ ﺧﺮﺩ ﻭ ﺧﻄﻮﻁ ﻇﺮﻳﻒ ﺍﺳﺖ( ﺩﺭﻳﻔﻮﺱ ﻭ ﺭﺍﺑﻴﻨﻮ،206:1387).

9-ﺗﺤﻠﻴﻞ ﻣﻘﺎﻭﻣﺖ. ﻗﺪﺭﺕ، ﻣﻘﺎﻭﻣﺖ ﻣﻰ ﺁﻭﺭﺩ .ﻓﻮﻛﻮ، ﻫﻤﻮﺍﺭﻩ ﻗﺪﺭﺕ ﺭﺍ ﺑﺎ ﻣﻘﺎﻭﻣﺖ، ﺩﺭ ﻛﻨﺎﺭ ﻳﻜﺪﻳﮕﺮ ﻣﻰ ﺩﺍﻧﺪ ﺗﺎ ﺁﻧﺠﺎ که او قدرت و مقاومتی را که ایحاد می­کند به عنوان چهره تعامل انسانی معرفی می­کند. ﮔﻔﺘﻤﺎﻥ ﻫﺎﻳﻰ ﻛﻪ ِ ﺩﺭ ﻣﻮﺿﻊ ﻣﻘﺎﻭﻣﺖ ﻫﺴﺘﻨﺪ، ﺩﺭ ﻣﻘﺎﻳﺴﻪ ﺑﺎ ﮔﻔﺘﻤﺎﻥ ﻣﺴﻠﻂ، ﻓﺎﻗﺪ ﻗﺪﺭﺕ ﻧﻴﺴﺘﻨﺪ، ﺑﻠﻜﻪ ﺗﻮﺍﻥ ﻣﻌﻨﺎﺩﺍﺭﻯ ﮔﺰﺍﺭﻩ ﻫﺎﻯ ﺍﻳﻦ ﺩﺳﺘﻪ ﺍﺯ ﮔﻔﺘﻤﺎﻥ ﻫﺎ، ﻫﻢ ﻧﺴﺒﺖ ﺑﻪ ﮔﻔﺘﻤﺎﻥ ﻣﺴﻠﻂ ﻭ ﻫﻢ ﻧﺴﺒﺖ ﺑﻪ ﺳﺎﻳﺮ ﮔﻔﺘﻤﺎﻥ ﻫﺎ، ﻣﺘﻔﺎﻭﺕ ﻭ ﻛﻤﺘﺮ ﺍﺳــﺖ.

10- ﻧﻘﺪ ﺣﺎﻝ. فوکو آخرین مرحله را نقد حال و گفتمان موجود می­داند. از نظر او، ﺷﻨﺎﺧﺘﻰ ﻛﻪ ﺑﺪﻳﻦ ﺗﺮﺗﻴﺐ ﺑﻪ ﺩﺳﺖ ﻣﻰ ﺁﻳﺪ، ﺍﺑﺰﺍﺭ ﻣﻨﺎﺳﺒﻰ ﺑﺮﺍﻯ ﻧﻘﺪ ﺷﺮﺍﻳﻂ ﺣﺎﻝ ﺑﻪ ﺩﺳﺖ ﻣﻰ ﺩﻫﺪ .ﺣﺎﻻ ﺗﺒﺎﺭﺷﻨﺎﺱ ﻣﻰ ﺗﻮﺍﻧﺪ ﻧﺸﺎﻥ ﺩﻫﺪ ﻛﻪ ﭘﺪﻳﺪﻩ ﻣﻮﺭﺩ ﻧﻈﺮ، ﺻﻮﺭﺕ ﻫﺎ ﻭ ﺍﺷﻜﺎﻝ ﺩﻳﮕﺮﻯ ﻧﻴﺰ ﺩﺍﺷﺘﻪ ﺍﺳﺖ ﻛﻪ ﺑﻪ ﻭﺍﺳﻄﻪ ﺩﺧﺎﻟﺖ ﺍﻣﻮﺭ ﻏﻴﺮﮔﻔﺘﻤﺎﻧﻰ ﻭ ﺍﺯ ﺟﻤﻠﻪ ﻋﺎﻣﻞ ﻗﺪﺭﺕ ﻭ ﺗﺄﺛﻴﺮ ﻧﻴﺮﻭﻫﺎﻯ ﺍﺟﺘﻤﺎﻋﻰ، ﺍﺯ ﺑﻴﻦ ﺭﻓﺘﻪ ﻳﺎ ﺗﻐﻴﻴﺮ ﻛﺮﺩﻩ ﻭ ﺻﻮﺭﺕ ﺑﻨﺪﻯ ﻓﻌﻠﻰ ﺁﻥ ﺣﺎﺻﻞ ﺷــﺪﻩ ﺍﺳــﺖ. در چگونگی نقد و تحلیل، فوکو بر خلاف دیدگاههای هرمنوتیکی به تحلیل معانی در سطح و در موارد جزئی می­پردازد و علاقه­ایی به تحلیل عمقی معانی و الفاظ ندارد.

**1-3-گفتمان**

واژه گفتمان در زبان فارسی مترادف discourse است که واژه لاتین آن به معنی مکالمه و هم­کلامی است. این واژه در سیر تکامل خود به شکل منسجم و مقبولی از گفتار و نوشتار نیز اطلاق شده است (فرقانی،1382: 52). گفتمان پدیده، مقوله یا جریانی اجتماعی است؛ به تعبیر بهتر، گفتمان جریان و بستری است که دارای زمینه اجتماعی است (قاسمی، 1394: 39). اظهارات و مطالب بیان شده، گزاره‌ها(saterments ) و قضایای(premises ) مطرح شده، کلمات و عبارات مورد استفاده و معانی آنها، جملگی به این نکته بستگی دارند که مطالب بیان شده، گزاره‌های مطرح شده، قضایای مفروض و... کِی، کجا، چگونه، توسط چه کسی، له یا علیه چه چیزی یا چه کسی صورت گرفته‌اند. به بیان دیگر بستر زمانی، مکانی، موارد استفاده و سوژه‌های استفاده کننده هر مطلب، گزاره و قضیه، تعیین کننده شکل، نوع و محتوای هر گفتمان به شمار می‌روند (مک دانل،1380: 56).

نظریه گفتمان در زبان شناسی تولد یافت و سه گونه ساخت‌گرا، نقش‌گرا و انتقادی را تجربه کرد در این گونه‌های تحلیل گفتمانی، زبان بزرگتر از گفتمان تلقی می‌شود. تحلیل گفتمان که در زبان فارسی به سخن‌کاوی، تحلیل کلام و تحلیل گفتار ترجمه شده است، یک گرایش بین رشته‌ای است که از اواسط دهه 1960 تا اواسط دهه 1970 در پی تغییرات گسترده علمی و معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روانشناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی بیان، زبان‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. از این گرایش، به دلیل بین رشته‌ای بودن خیلی زود به عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی استقبال شد (حاتمی و همکاران:1385).

نظریه گفتمان با اتخاذ یک نگرش جدید به گفتمان آن را وارد حوزه فلسفه سیاسی کرد. در این نگرش گفتمان نه‌تنها بزرگتر از زبان است، بلکه کل حوزه اجتماع را در بر می‌گیرد و نظام‌های گفتمانی، حقیقت را بر فاعلان اجتماعی تحمیل می‌کنند. گفتمان بطور عام، نظام هاى معنایى (گفتمان ها) طرز آگاهى یافتن مردم از نقش هایشان در جامعه است. بر این اساس گفتمان، تجزیه و تحلیل شیوه تإثیرگذارى این نظام هاى معنایى یا گفتمان ها بر فعالیت هاى سیاسى است گفتمان ها را نباید ایدئولوژى, به مفهوم سنتى و محدود آن (یعنى مجموعه عقایدى که به وسیله آن عاملان اجتماعى, اعمال اجتماعى سازمان یافته شان را توجیه و تشریح مى کنند) پنداشت. این نظریه از علومی همچون هرمنوتیک, پدیدارشناسى, ساخت گرایى و شالوده شکنى الهام مى گیرد (ر.ک: دالمیر و مک کارتى:1977). این علوم یا به تفسیر متون فلسفى و ادبى مى پردازند و یا به تحلیل شیوه اى که به واسطه آن, اشیإ و تجربیات معنایشان را کسب مى کنند. در این روش شناسى, محقق علوم اجتماعى سعى مى کند تا خود را به جاى عاملى که در جامعه عمل مى کند تصور کرده, بدین طریق اعمال اجتماعى را درک نماید. براى انجام چنین کارى او سعى مى کند بفهمد که چگونه گفتمان هایى که به فعالیت هاى عاملان اجتماعى شکل مى دهند تولید مى شوند, کار مى کنند و تغییر پیدا مى کنند. در تلاش براى فهم این موارد تحقیق, تحلیل کننده گفتمان، اولویت را به مفاهیم سیاسى همچون غیریت سازى، عاملیت، قدرت و سلطه مى دهد. تحلیل گفتمان درواقع، چگونگی تبلور و شکل­گیری پیام واحدهای زبانی را در ارتباط با عوامل درون­زبانی (زمینة متن) و کلّ نظام زبانی و عوامل برون­زبانی (زمینة اجتماعی، فرهنگی و موقعیّتی) بررسی می‌کند.

باید دانست در مورد موفقیت گفتمان در ساخت یا تغییر ساخت اجتماعی سه نکته مطرح است:

1- نقش گفتمان در ایجاد حرکت و تغییر؛ که بستگی به میزان اثر تبلیغات و شیوه‌های گفتمان دارد.

2- نقش اقناعی گفتمان؛ که به انسجام منطقی و ایدئولوژیک آن موکول می‌شود.

3- نقس احساسی گفتمان؛ که از طریق برانگیختن احساسات، برای پذیرش ساختارهای جدید و بدیع زمینه‌سازی می‌‌کند.

موضوع تحلیل گفتمان (نقل قول، متن نوشته شده، گفتار، رویدادهای ارتباطی) در قالب رشته‌های منسجمی از تعدادی جمله، گزاره، عبارت، گفتار و مناظره تعریف می‌شود. به صورت خلاصه و در یک جمع­بندی، گفتمان کليت ساختاردهي شده حاصل از مفصل بندي است. گفتمانها مجموعه­اي از نشانه­ها هستند که به شيوه­اي معنادار با هم مرتبط شده­اند. در واقع گفتمان صورتبندي مجموعه­اي از کدها، اشیاء، افراد و ... هستند که پيرامون يک نقطه کانوني تثبيت شده و هويت خويش را در برابر مجموعه­اي از ديگري­ها به دست مي­آورند. گفتمانها تصور و فهم ما از واقعيت و جهان را شکل ميدهند. بنابراين معنا و مفهوم انسان از واقعيت همواره گفتماني است و تحلیل گفتمان می­تواند محقق را در راه درک حقیقت و راههای وصول به آن یاری کند(آقاگل زاده233:1385).

**1-4- روش‌شناسی** **و شیوه تجزیه‌وتحلیل داده‌ها**

با توجه به هدف پژوهش که دست‌یابی به ویژگیهای تبارشناسانه گفتمان شهید سلیمانی است، روش کیفی برای نیل به مقصود مناسب­ترین روش است. روش کیفی در اینجا باعث عمیق شدن داده‌ها و فهم دقیق­تر آنها می‌گردد و بر همین اساس از روش کیفی با شیوه جمع­آوری اسنادی و کتابخانه­ای داده‌ها و تحلیل و دسته­بندی آنها استفاده شده است. بخش مطالعه اسنادی برای تعمق در پژوهش‌های صورت گرفته قبلی در حوزه‌های مشابه، آشنایی کلی با ادبیات و مفاهیم مقولات مرتبط، شناسایی گفتمانهای تاثیرگذار بر گفتمان شهید سلیمانی و در نهایت جمع­آوری داده­ها و پژوهش صورت گرفته است.

در پژوهش، نمونه‌گیری وجود ندارد و تمام متون سخنرانی، مصاحبه و وصیت­نامه شهید سلیمانی به صورت هدفمند تمام شماری و مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. در روش انتخاب­شده برای پژوهش برخلاف سایر روش­ها که در آن­ها محقق ابتدا فرضیه­ای مطرح می­کند و بعد از مراجعه به واقعیت آن را آزمون می­کند؛ فرضیه­ای وجود ندارد. این روش یک روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه­های موضوعی گوناگون امکان می­دهد تا به جای اتکا به تئوری­های موجود و از پیش تعریف شده، خود به شناسایی و معرفی ویژگیهای اصلی یک گفتمان یا نظریه بپردارند. (منصوریان،41:1381).

پس از جمع‌آوری داده‌ها، و پیاده‌سازی آن‌ها، محقق به تجزیه‌وتحلیل آنها پرداخته که در این مرحله، داده‌های خام، کدگذاری و پس از دسته‌بندی، مفاهیم و مقولات، محورهای آن استخراج شده است. بعد از طبقه­بندی مفاهیم به دست آمده از اسناد و مدارک، بر اساس ارتباط با موضوعات مشابه، اطلاعات کسب‌شده به کدهای اولیه دسته‌بندی شد. پس از آن کدهای تکراری حذف و موارد مشابه در هم ادغام و در مرحله بعد بر اساس ارتباط بین کدهایی که احصا شده بود، در قالب مفاهیم دسته‌بندی شده­اند.

**1-5- پیشینه**

تدوین الگوی فرماندهی شهید قاسم سلیمانی عنوان پژوهشی از آقایان حسین دهقانی­پوده و امین پاشایی هولاسو(1399) است که در آن نویسندگان با روش کتابخانه­ایی، اسنادی و مصاحبه به جمع­آوری داده­ها پرداخته و پس از آن با روش تحلیل مضمون، داده­ها را برای استخراج و تدوین الگوی فرماندهی شهید سلیمانی بررسی کرده­اند. به اعتقاد نویسسندگان، مجموعه اقدامات و افتخارآفرینی­های شهید قاسم سلیمانی در دوران چهل سالۀ انقلاب اسلامی، ایشان را به چهرهای بین­المللی و نماد مقاومت تبدیل کرده و بررسی مکتب ایشان، به عنوان مکتبی جهان­شمول و اخروی و الگو­سازی آن، از ضرورتهای اساسی تدوین الگوی مکتب فرماندهی ایشان، برای جامعۀ امروز ایران است. نویسندگان ابعاد مکتب شهید سلیمانی را در پنج بعد،1- معنوی و ارزشی 2-فردی و رفتاری 3- فرماندهی و مدیریتی 4-نظامی 5-تاثیرگذاری دسته­بندی کرده و خصوصیات هر بعد را ذکر کرد­ه­اند.

شاخص­های مکتب شهید سلیمانی(1398) عنوان پژوهشی از علی شیرازی است که در آن نویسنده 17 شاخص را برای مکتب شهید سلیمانی شناسایی و به توضیح آنها بر مبنای دیدگاههای امام خمینی ره ، حضرت آیت­الله خامنه­ایی و فرماندهان و کارشناسان پرداخته است. روش نویسنده در این پژوهش توصیفی است و در نقد این اثر باید گفت که میزان بیان دیدگاههای افراد غیر از شهید سلیمانی، از بیان دیدگاههای شهید سلیمانی بیشتر است. نویسنده عشق به اسلام ناب، ارادت به اهل بیت علیهم­السلام، معنویت و دنیاگریزی، تکلیف­گرایی و عقلانیت، دشمن شناسی، روحیه شهادت­طلبی، مقاومت و ایستادگی را مهمترین شاخصه­های مکتب شهید سلیمانی دانسته است.

محمد محمد ظاهری(1399) در پژوهشی با عنوان ارائه الگوی مدیریتی در تراز انقلاب اسلامی برای مدیران عالی جمهوری اسلامی با بهره­گیری از روش تحلیل مضمون به بررسی مکتب شهید سلیمانی پرداخته و مبانی اعتقادی، زمینه­های فردی، شغلی و مشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ایشان را استخراج و نتیجه­گیری کرده که مبانی مستحکم اعتقادی اثرگذارترین مضمون در سطح اول زمینه­های تاثیرگذار در مکتب سلیمانی است. همچنین محسن کاردان­پور(1399) در پژوهشی دیگر با عنوان تحلیل محتوایی الگوی مدیریتی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به بررسی الگوی مدیریت ایشان بر اساس نامه 53 امام علی ع به مالک اشتر پرداخته است. پژوهشگر با روش مصاحبه ساختار یافته، داده­ها را جمع­آوری و با تحلیل محتوا به استخراج شاخصهای الگوی پژوهشی خود اقدام کرده است. نامبرده شاخصها را در نهایت در سه بعد رفتارگرایی، ساختارگرایی و محیط­گرایی استراتژیک، دسته­بندی کرده است.

محسن حمیدزاده در پژوهشی به بررسی بازنمایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ومطالعه موردی سردار سلیمانی در شش نشریه آمریکایی پرداخته تا به دیدگاهی در مورد نگاه مطبوعات آمریکا در خصوص قدرت نظامی سپاه قدس و شخص قاسم سلیمانی دست یابد. روش مورد استفاده در این پژوهش برای تحلیل مطالب، روش "تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف"، و شیوه نمونه گیری آن، غیرتصادفی هدفمند است. با تحلیل­های انجام شده، پژوهش به این نتیجه رسیده که اگرچه آمریکا و متحدانش استراتژی نظامی­شان در برابر گروه های تروریستی مانند داعش بی نتیجه بوده، ولی این تمایل در میان مطبوعات آمریکایی وجود دارد که ایران و سردار قاسم سلیمانی را برنده، توانمند، هوشمند و موفق در مدیریت بحران منطقه ای داعش نشان دهند؛ با این حال مطبوعات آمریکایی مورد بررسی، ادعا می کنند که قدرت قاسم سلیمانی در منطقه و در کنترل بحران داعش، یک برساخته و جنگ تبلیغاتی از سوی رسانه های ایران بوده است.

محمد جواد رودگر(1399) در پژوهشی کتابخانه­ایی با عنوان سلوک در مکتب سلیمانی به بررسی ابعاد مختلف سلوک در این مکتب پرداخته و سازندگی، صداقت ، صالحیت، ولایت مداری و جامعیت را مهمترین ویژگیهای سلوک در مکتب سلیمانی دانسته است. همجنین خانم زهرا رضائیان(1399) در پژوهشی با عنوان نگاهی به ویژگیهای سردار مکتب­ساز، مهمترین ویژگیهای مکتب ایشان را ایمان به خدا، اخلاص، ساده­زیستی، ولایت مداری ، مبارزه با استکبار و دفاع از مظلومان دانسته است.

**2- بحث وبررسی**

در شکل­گیری گفتمان شهید سلیمانی عوامل و علتهای کوچک و بزرگی مثل افراد، وقایع، تربیتها و تجارب، شرایط زندگی، محیطی و اجتماعی نقش داشته­است که بررسی تمام آنها سخت و شاید ناممکن باشد. با بررسی دقیق زندگی و آثار به جا مانده از شهید سلیمانی و بر اساس این آثار عوامل متعددی در شکل گیری شخصیت و گفتمان ایشان نقش داشته که عبارتند از: اسلام، قرآن ، معصومین، مکتب تشیع، عبادت، نماز، گریه و انابه وتوسل، امام خمینی و انقلاب اسلامی و ارزش های آن، رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت­الله خامنه­ایی و تفکر ولایت فقیه، تعبد، تعهد، تقوا، تواضع، دنیاگریزی، آخرت گرایی، اخلاص، توسل، تضرع، تکلیف گرایی، معنویت و خدامحوری و.... درتاثیر گذاری این عوامل متنوع و گسترده بر شکل­گیری گفتمان شهید سلیمانی دلایل و شواهد متعدد از زندگی و آثار به جا مانده از ایشان هم وجود دارد و هم بیان شده است. در این مورد باید گفت که بیشتر آنها تنها یک عامل هستند و نمی­توان برآنها نام گفتمان نهاد. این موضوع از این جهت اهمیت دارد که در پژوهش حاضرگفتمانهای تاثیر گذار بر شهید سلیمانی و شکل­دهی به گفتمانش بررسی می­شود و از عوامل خرد وکلان دیگر اجنتناب می­شود. البته بیشتر این عوامل را میتوان در چند گفتمان اساسی تاثیر گذار بر شکل گیری گفتمان شهید سلیمانی جمع کرد که عبارتند از گفتمان امام حسین و عاشورا، گفتمان امام خمینی و انقلاب اسلامی، گفتمان دفاع مقدس و مقاومت که مهمترین گفتمانهای تاثیرگذار برشکل­گیری گفتمان ایشان بوده­اند. دراین بخش ابتدا، جملات و مفاهیمی از شهید سلیمانی که اشاره به پیشینه و تبار گفتمان ایشان دارد، به صورت هدفمند، استخراج و دسته­بندی شده است[[2]](#footnote-2). شناسایی این گفتمانهای تاثیرگذار با مطالعه آثار به جا مانده از ایشان انجام و پس از آن با مطالعه مجدد جملات و مفاهیمی که از ایشان به گفتمانهای انتخابی اشاره داشته­اند استخراج و پس از آن تحلیل شده است.

**1- مقولات ، مفاهیم و ادبیات کربلایی در گفتمان شهید سلیمانی**

|  |  |
| --- | --- |
| عبارات | مفاهیم |
| چرا امام حسین ع با خون خودش آمد و از حق دفاع کرد، چون آن منطق (منطق یزیدی) منطق دیپلماسی نبود | عدم گفتگو با منطق یزیدی |
| سالگردِ‌ غم‌انگیز و جانسور کربلا که خون رگ‌های عالم اسلام است از زمان شهادت تا پایان این عالم خاکی، بعد از آن حادثه که یک حادثۀ جامع، عظیم، بی‌نظیر برای اسلام ضروری، ما حادثه‌ای ...با جامعیت حادثه کربلا نداشتیم | عظمت حادثه کربلا که خون رگهای عالم اسلام است |
| یاد پیرو راستین و صحابۀ راستین سرو سالار شهیدان، حسین همدانی، حسین فاطمۀ زهرا که پس از قریب 1400 سال به کاروان کربلا پیوست. ما ملت شهادتیم. ما ملت امام حسینیم | شهادت پیوستن به کاروان کربلاست |
| حادثه کربلا مثل همین شکل از ابتدا تا انتها با همین دقت و با همین زیبایی چیدمان شده است و همۀ جزئیات او مثل نوش‌دارویی برای شفای بشریت است، برای علاج بشریت است، دارویی برای درمان نفس بشریت است، برای علاج ما در این دنیای فانیِ زودگذری که از آن عبور می‌کنیم | حادثه کربلا برای درمان ماست |
| این فرهنگ ما را در دفاع مقدس پیروز کرد، از ابتدای انقلاب تا حالا در همۀ صحنه‌ها با تمسک به همین فرهنگ امام حسین(ع)، همۀ پیروزی‌ها و تضمین پیروزی‌هایمان را از این راه گرفتیم، با تأسی به امام حسین(ع) و اهل‌بیت عصمت و طهارت و اصحاب او، این جبهه تربیت پیدا کرده است و روز به روز یک تولد جدیدی پیدا می‌کند | پیروزی ما از فرهنگ امام حسین ع به دست آمده |
| از دعای عرفه امام حسین(ع) تا همۀ گفته‌های امام حسین(ع)، تا همۀ بیاناتی که آنجا انجام گرفت و تا آخرین آن که در مجلس یزید بود، همۀ اینها خرد و کوچک و بزرگ با دقت انجام گرفته است،. حادثه کوتاهِ کربلا یک ترسیم، یک ویژگی‌ زیبایی ویژه‌ای دارد همۀ ثانیه‌ها و همۀ ذرات حادثه آن برای بشریت ارزشمند است. | ارزشمندی حادثه کربلا |
| از خدا می‌خواهیم ما را توفیق بدهد که رهرو راه امام حسین(ع) باشیم و همانند اصحاب آن بزرگوار خالصانه و صادقانه در این راه باقی بمانیم. | دعا و طلب رهروی در راه امام حسین ع |
| به عقیدۀ من مسلمانان باید از این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربانی کرد پیروی کنند. هر آئینی چه آسمانی و چه غیرآسمانی اگر شخصیتی چون حسین نداشته باشد، دینی زمینی است و از بهشت بی‌بهره خواهد بود. | پیروی از شهید کربلا حتی برای غیر مسلمانان |
| . امام حسین عظیم است اما اعظم از امام حسین علیه السلام آن چیزی است که امام حسین برای آن قربانی شد و آن همان کلمه‌ی مبارک بود که فرمود: (ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیاسیوف خذینی)( اگردین جدم محمد جز با کشته شدن من برپا نمی ماند پس ای شمشیر ها مرا فرا بگیرید). | عظیم دانستن هدف امام حسین ع |
| در ایام محرم، ضمن اینکه ایام حزن و اندوه است اما یک معنویت ویژه‌ای شبیه معنویت شب‌های قدر در همۀ ساعت‌ها و روزهای آن به جامعه ما می‌بخشد. ما ملت امام حسینیم. قطعاً ایام محرم اگرچه ایام پر از حزن و اندوه است اما معنویتش برای جامعه ما اگر بیش از ایام ماه مبارک رمضان نباشد کمتر نیست، همان معنویتی که در شب‌های قدر انسان از مراسم‌ها و مناسبت‌ها حس می‌کند در مساجد، در تکیه‌ها و حسینیه‌ها و در جاهای گوناگون همین حس در ایام محرم به انسان دست می‌دهد، یک حس معنویِ دگرگونی عمومی، همان دگرگونی که در شب‌های قدر اتفاق می‌افتد همین دگرگونی در ایام محرم از ابتدای محرم تا انتهای محرم تا اربعین امام حسین شکل می‌گیرد، جامعه یک شستشوی همه‌جانبۀ جسمی و روحی پیدا می‌کند. | فرهنگ محرم و ایجاد حس معنوی  ما ملت امام حسینیم |
| اینکه در صدر اسلام اگر امام حسین(ع) و اهل بیت ایشان و اصحابش به شهادت نمی رسیدند، میراث پیامبر که همان اسلام ناب محمدی است از دست می رفت | نهضت حسینی حفظ میراث پیامبر بود |
| امروز انصارالله هم در یمن به تأسی از این، به امام حسین(ع) و اهل‌بیت امام حسین(ع) اقتدا می‌کند. امروز حشدالشعبی هم در قدرت مقاومت خودش و اساس قدرت مقاومت خودش، گرفتن انگیزه و دافعۀ حقیقی از این جایگاه ارزشمند است | تأسی مقاومت به امام حسین ع |
| اگر بدون تمسک به امام حسین علیه السلام بود، ما می توانستیم پیروز بشویم؟ دعا کن ( خطاب به دخترش) یک ُروز مدال اخروی ام را از خدا بگیرم. عشق به شهادت | تمسک به امام حسین ع و شهادت طلبی |

**گفتمان عاشورایی امام حسین ع**

نهضت عاشورا، حادثه­ایی است که زمینه‏هایى بزرگ براى درس‏آموزى وعبرت دارد و از چنان قدرت نیرومندى برخوردار است که مى‏تواند همواره بازتولید و فرا روى بشریّت راه روشن قرار دهد و به آنها درس دیندارى،آزادگى،ظلم ستیزى و چگونه زیستن و چگونه مردن را بیاموزد. امام حسین ع به دنبال حسابگری‌های روزمره و برآورده‌ای محاسباتی که امثال ما برای هر اقدام و حرکت خودمان انجام می‌دهیم نبوده، بلکه خارج از محاسبات روزمره در تصمیم سازی ، وصول به چنین اندیشه و عملی نه با محاسبات شخصی بلکه با درک گفتمان حسینی قابل‌ شناختن است. به همین دلیل عاشورا و نهضت حسین بن علی به این نوع منطق حسابگرانه فردی، قابل‌ادراک و محاسبه نیست، کسانی که نمی‌توانند با  قیام حسین(ع) هم‌آوایی و همدلی داشته باشند به خاطر چنین گرفتاری هرگز قادر نخواهند بود، خلوص نیت، حریت، آزادگی و اهداف آن را آنچنان که برای امام حسین(ع) قابل‌درک بوده، بشناسند.

سیدالشهداء اسوه­ایی براى ظلم‏ستیزى و نفى مشروعیت نظامهای ظالم و غیر دینى و الگویى براى تلاش وجهاد در راه اقامه حکومت دینى و اقامه احکام الهى و فرائض و سنن دینى در جامعه است. در گفتمانهای رقیب گفتمان حسینی هم، اقامه دین، سنن و احکام الهی ولو برای مشروعیت گرفتن، رعایت ظواهردین، جذب مردم و یا بسیج آنها مطرح بوده است. واقعیت این است که از صدر اسلام تا کنون،گفتمانها و برداشتهای مختلفی از دین اسلام شکل گرفته که همه آنها ادعای اسلام واقعی داشته و دارند. این گفتمانها، ارزشها، معانی و دالهای شناور خود را مطابق با اصول اساسی و دالهای مرکزی خود تعریف کرده­اند. در گفتمان شیعه و امام حسین ع، محور اصلی، ولایت و امامت بوده و نشانه­های آن مثل تقوا، عدالت، جهاد وسایر ارزشها در سایه آن معنای خود را پیدا می­کنند(حمیدی،102:1395). این بدان معناست که این گفتمان دالهای شناور متعددی مشترک با گفتمانهای رقیب دارد. گفتمان خلافت و سلطنت که در اسلام مطرح بوده و هست، مشخصات مشترک فراوانی با گفتمان حسینی دارند که معانی دقیق و تفاوتهای آنها را باید بر مبنای محورها و دالهای مرکزی هر گفتمان مشخص کرد. در تعریفی که گفتمان ولایت از ارزش­های اسلامی مانند نماز ، زکات، ظلم ستیزی و...، ارائه داده است، علاوه بر این که ولایت را راه وصول به آنها دانسته، روح کلی حاکم بر ارزش های اسلامی را نیز که بدانها جان بخشیده، ولایت معرفی کرده است که اگر نباشد این ارزشها همچون جسم بی جانی خواهند بود که دیگر نمی توان بر آنها عنوان ارزش اسلامی اطلاق کرد (حمیدی،117:1395).

گفتمان شهید سلیمانی بر مبنای صحبتها و متون به جا مانده از ایشان که موارد متعددی از آنها در تحقیق آمده است، در امتداد و همسو با فرهنگ و گقتمان کربلاست که دفاع از حق را حسابگرانه و مصلحت اندیشانه نمی­بیند. حق مداری، شجاعت، اخلاص، فداکاری و مقاومت در مقابل ظلم در گفتمان شهید سلیمانی باید بر همین اساس معنا شود. وقتی ایشان می­گوید ما ملت شهادت و ملت امام حسینیم، یعنی برای دفاع از دین و آرمانها، حسین­وار و با همان منطق و روحیه می­ایستیم. این منطق شکست، دلسردی، ضعف و ترس نمی­شناسد و همه مقوله­ها و مفاهیمش با این منطق معرفی و شناخته شود.

2- **مقولات ، مفاهیم و ادبیات** گفتمان انقلاب و امام خمینی **در گفتمان شهید سلیمانی**

|  |  |
| --- | --- |
| عبارات | مفاهیم |
| راه امام مبارزه با آمریکا و حمایت از جمهوری اسلامی و مسلمانان تحت ستم استکبار، تحت پرچم ولیّ‌فقیه است. | مختصات راه امام خمینی |
| حضرت امام(ره) بعد از معصوم بی نظیر است امام(ره) در بحث سیر و سلوک بی نظیر بود. امام(ره) می‌فرماید ما از کجا آمده ایم همه عالم از آن خدا است همه عالم جلوه خدا است همه عالم به سمت خدا روان است بعد می فرمایند اگر این است و اگر همه عالم جلوه خدا است و روان به سمت خدا است | بی نظیردانستن امام ره |
| وقتی وزیر خارجه شوروی سابق جواب گورباچف آورد خدمت امام. داشت روی میز و خواند، ازشدت تاثیر امام و ابهت امام دست ایشان آنقدر می­لرزید که صدای دست ایشان در اتاق منعکس می­شد. امام این ابهت را از کجا آورد. | ابهت امام ره |
| انقلاب در دوره‌ای اتفاق افتاد که تمام گروه‌های اسلامی و غیراسلامی از چپ و راست، مسلح و غیرمسلح را ساواک منهدم کرد. یعنی در زمانی که امام می‌خواست انقلاب را شروع کند یک گروه باقی مانده سالم و خارج از زندان وجود نداشت | اشاره به شرایطی که امام انقلاب را شروع کرد |
| مهمترین هنر خمینی عزیز این بود که اوّل اسلام را به پشتوانه ایران آورد و سپس ایران را در خدمت اسلام قرار داد. هنر امام این بود که اسلام را به پشتوانه آورد؛ عاشورا و محرّم، صفر و فاطمیه را به پشتوانه این ملت آورد. انقلابهایی در انقلاب ایجاد کرد. به این دلیل در هر دوره هزاران فداکار جان خود را سپر شما و ملت ایران و خاک ایران و اسلام نموده­اند و بزرگترین قدرتهای مادی را ذلیل خود نموده­اند | قدرت گیری از اسلام |
| امام (ره) می فرمایند اوج بندگی در عالم معنویت شهادت است و بندگی خالصانه و عبودیت منجر به شهادت می شود | فرهنگ جنگ |
| بدانید جمهوری اسلامی حرم است و این حرم اگر ماند، دیگر حرمها می­مانند. اگر دشمن، این حرم را از بین برد، حرمی باقی نمی­ماند، نه حرم ابراهیمی و نه حرم محمّدی(ص). حق واضح است؛ جمهوری اسلامی و ارزشها و ولایت فقیه میراث امام خمینی ؟ره؟ هستند و می‌بایست مورد حمایت جدی قرار گیرند | دفاع از میراث امام خمینی ره |
| منزّهترین عالِم دین که جهان را تکان داد و اسلام را احیا کرد، یعنی خمینی بزرگ و پاک ما، ولایت فقیه را تنها نسخه نجاتبخش این امت قرار داد | ولایت فقیه حضرت امام نسخه نجات­بخش |
| امام خمینی، رحمت الله علیه، افتخار تجدید حیات اسلام ناب را پیدا کرد. ما امروز هر چه داریم، از این انقلاب و امام است، و این عزت عمومی را مدیون خط امام و استمرار راه و خط امام توسط مقام معظم رهبری هستیم | ما هر چه داریم از اسلام و انقلاب است |
| در سایه ی حکومت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی می توانیم غبار غربت را نه فقط از تشیع، بلکه از اسلام ناب بزداییم | اولویت داشتن حفظ نظام جمهوری اسلامی |
| شرط با هم بودن، توافق و بیان صریح حول اصول است... اصول، عبارت از چند اصل مهم است؛ اول آن ها، اعتقاد عملی به ولایت فقیه است؛ اعتقاد به ولایت فقیه به عنوان میراث حضرت امام خمینی ره | حفظ اصول اساسی جمهوری اسلامی و میراث امام خمینی ره |

**گفتمان انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره)**

شکل گیری انقلاب اسلامي ایران در سال1357 به رهبری امام خمینی ره منجر به رویش گفتماني شد که به لحاظ سلبي، خط بطلاني بر سایر مناسبات سیاسي- اجتماعي جامعه کشید و به لحاظ ایجابي مناسبات و نگاهی جدید به دین، سیاست و جامعه بنیان نهاد. گفتمان انقلاب و امام خمینی را با هم یکی باید دانست و نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی دو پدیده‌ی جدایی‌ناپذیرند. تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی ایران بدون شناخت گفتمان رهبر بزرگ آن ممکن نیست(عیسی‌نیا 1386: 22). امام خمینی تنها یک رهبر نبود بلکه یک اندیشمند صاحب گفتمان بود و از این‌رو تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی مستلزم شناخت صحیح اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها­ی امام خمینی در تمامی ابعاد است.

امام خمینی ره با رویکرد انتقادی نسبت به نظم حاکم، در سطح ملی و بین­المللی، مبانی مشروعیت سیاسی را در ابعاد ملی و فرا‌ملی توسعه داده و گفتمان مردم‌سالاری دینی را جایگزین آن نمودند. مردم­سالاری دینی گفتمانی است که اسلام سياسي و بازگشت دين به حوزه عمومي و دخالت در اداره جامعه محور آن است كه خصوصي بودن دين را به چالش كشيد. امام معتقد بود که اسلام پاسخگوی همه نیازهای بشریت است (صحیفه امام، 1378،ج5 :231) و بر اين اساس در برابر ليبراليسمي قرار مي­گيرد كه ميخواهد دين را در حوزه خصوصي محدود كند (محمدي،72:1392-73) .

انقلاب اسلامی از سوی دیگر، بر پايه معنویت‌، عدالت‌، آزادی‌، استقلال‌ و بازگشت‌ به‌ اسلام‌ بود که‌ در دوره حاکمیت‌ سرمایه‌داری‌ غربی‌ و سوسیالیسم‌ شرقی‌ به‌ وقوع‌ پیوست و بر اساس اصل نه شرقی، نه غربی، الگوی سياسي، فرهنگی و اجتماعی جدیدی برای مسلمانان ارائه و نظام‌ سیاسی‌ نوینی‌ برپا نمود. مفاهیمي چون مردم سالاري دیني، حقوق بشر اسلامي، فقه، اجتهاد ، امت گرایی در برابر ملّی گرایی، دفاع از محرومان و مستضعفان در این گفتمان برجسته شد. اصول انقلاب اسلامي ایران عبارتند از: اصل خدامحوری، اصل حق تعیین سرنوشت انسان ها، اصل درهم تنیدگي دیانت و سیاست، اصل ظلم و استکبارستیزي، اصل عدالت خواهي، اصل معنویت خواهي، اصل عقل گرایي(عقلانیت) (جهانیان،113:1392) . گفتمان انقلاب اسلامي ایران از مفهوم ها و نهادهای مدرنی چون مردم، جمهوریت، مردم سالاری، قانون، آزادی، برابری و حقوق بشر استفاده نموده و کوشیده است تا آنها را در چارچوب گفتمانی خویش معنا دهد. درواقع گفتـمان انقلاب اسـلامي ایران، تلفـیقی از ارزش های اسـلامی و الگـوهای جدید حکومت داری را، ارائه نموده است (رضایی جعفری و دیگران،107:1395).

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های گفتمان مقاومت تأکید بر آموزه‌های اسلامی است واینکه اسلام پاسخگوی همه نیازهای بشریت هست. این گفتمان بیشترین تمرکزش بر اسلام‌گرایی و اسلام‌خواهی است. در واقع محور مرکزی این گفتمان اسلام‌خواهی می‌باشد و به تبعیت از آموزه‌های اسلام شکل گرفته است.در مکتب امام خمینی، دین و دنیا، مکمل یکدیگر و درهم تنیده اند و معنویت و سیاست با تکلیف­گرایی تفکیک ناپذیرند. در این گفتمان، استکبارستیزی، انقلابیگری، عدالت طلبی، دوری از اشرافیگری، ساده زیستی ، دفاع از مظلومان جهان، ایستادگی در برابر دشمن، رواج اخلاق ، وحدت، برابری و برادری، نفی وابستگی سیاسی، بصیرت، دشمن شناسی و تقوا، جزء ارزش های پذیرفته شده است .

مهم ترین منبع و ماخذ برای شناخت اهداف و وظایف سیاست خارجی در نظام بر پاشده توسط امام خمینی ره، قانون اساسی آن است. مجموع اهداف سیاست خارجی ایران با بررسی قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران عبارت است از:

1. تلاش در جهت تشکیل امت واحد جهانی.

2. حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران.

3. تامین منافع ملی و حفاظت از استقلال و حاکمیت ملی در عرصه بین المللی.

4. دفاع از سرزمین ها و حقوق مسلمانان.

5. دعوت به اسلام.

امام خمینی راهبرد رسیدن به حکومت مستضعفین و حکومت جهانی حضرت مهدی عج، تشکیل بسیج جهانی مستضعفان قرار داد و از تشکیل نشدن این بسیج جهانی گله داشت. ضرورت این وظیفه را، حضرت امام خمینی ره تبیین کرده بود و معتقد بود که در جنگ اعتقادی‌، بسیج بزرگ سربازان اسلام را باید به راه انداخت و بسیج نباید منحصر به ایران اسلامی باشد و باید هسته‌های مقاومت را در سراسر جهان به وجود آورد. شهید سلیمانی توانست این آرمان زمین مانده امام را عملی کند. با حضور و تلاشهایش در جبهه مقاومت، اکنون جبهه­ایی در برابر استکبار آمریکا، رژیم صهیونیستی و عواملشان شکل گرفته است. ایشان ابتدا نیروهای مقاومت در لبنان را تقویت کردند و سپس در سوریه از فروپاشی یکی از حکومت‌های مقاومت جلوگیری کرده و در عراق نیز بسیج مردمی عراق( الحشد الشعبی) را تشکیل دادند. شهید سلیمانی که شاگرد مکتب امام است و به امام خمینی عشق می ورزد و خود را پیرو راه و اندیشه و خط و آرمان های امام و ارزش های انقلاب اسلامی می داند، تعبد، تعهد، تقوا، تواضع، دنیاگریزی، آخرت گرایی، اخلاص، توسل، تضرع، ولایت محوری و تکلیف گرایی، عطر معنویت را هم از این مکتب گرفته است.

**3- مقولات ، مفاهیم و ادبیات دفاع مقدس در گفتمان شهید سلیمانی**

|  |  |
| --- | --- |
| عبارات | مفاهیم |
| هر چه پیرامون دفاع مقدس صحبت شود نمی‌توان حق این حادثۀ بزرگ و عظیم را به خوبی ادا کرد. حادثه هم حادثۀ گسترده‌ای بوده هم گسترده در بستر زمانی و هم جغرافیا و هم در حجم نیروی انسانی که در این صحنه حضور داشتند و ما در بُعد زمانی و جغرافیایی و انسانی حادثه‌ای به این گستردگی نداریم که اینقدر در درون عبرت‌ها و درس‌های بزرگی وجود داشته باشد | عظمت دفاع مقدس و عبرتهای آن |
| همه جنگ تحمیلی از جمله نامهای عملیاتها و رمزهای آنها فرهنگساز و مروج مذهب بود. | فرهنگ جنگ |
| نویسندگان و پژوهشگران دفاع مقدس باید به شخصیت واقعی شهدا نزدیک شوند و با آن‌ها زندگی کنند. | نزدیک شدن به ششخصیت شهدای دفاع مقدس |
| در بُعد درونی جنگ، پیروزی‌های درونی جنگ بسیار عمیق‌تر و ماندگارتر از پیروزی‌های برونی جنگ بود | پیروزیهای درونی جنگ |
| دفاع مقدس مثل یک مدرسۀ متحرکِ دینی و حقیقی که تجلی‌های عملی داشت، مدرسه‌ای که همۀ ملت ایران در آن وارد شدند، الان چهرۀ مردم ما در جنگ خیلی افتخارآفرین است، خیلی قابل تعظیم است | دفاع مقدس مدرسه متحرک دینی بود که تجلی های عملی داشت |
| جنگ پر از تدبیر و درایت بود، پر از دقت بود و در همۀ عملیات‌ها دشمن از ما قدرتمندتر بود، در ابعاد نظامی، تجهیزات، آن چیزی که در صحنه جنگ فراوان بود معنویت، فداکاری، ایثار، از خودگذشتگی | تدبیر همراه با فداکاری در جنگ |
| پس از آن ما هیچ جنگی را با جامعیت دفاع مقدس خودمان که شباهت بسیار بالایی و کم‌نظیری با حادثه کربلا داشته باشد نه در بُعد جنگی و نه در ابعاد فرهنگی آن که این حجم از اخلاقیات انسانی و معنویت و موضوعات مختلف مذهبی، دینی و فرهنگی در آن بروز کرده باشد و ظهور کرده باشد، به اندازۀ دفاع مقدس نداریم. | شباهت دفاع مقدس با کربلا |
| تمام دفاع مقدس ما از ابتدا تا انتهایش پر از درس‌های دینی بود، شاید یکی از بهترین مظاهر دین‌شناسی عملی دفاع مقدس بود. | دفاع مقدس دین شناسی عملی بود |
| در بُعد فرهنگی، هیچ چیزی به اندازه جنگ تاثیر فرهنگی بر جامعه ما نداشته است، تاثیر فرهنگی جنگ به اندازۀ خود انقلاب در مسائل سیاسی و دیگر گونه‌های سیاسی بود، جنگ یک فرهنگ ناب عملی را خلق کرد که امروز در جامعۀ ما متداول است و از بالاترین شئونات تا عادی‌ترین شئونات را شامل می‌شود | اهمیت فرهنگ فرهنگ دفاع مقدس |
| شهید همدانی فرصت را مغتنم شمرد و ابوالفضل این راه شد، آن وظیفه‌ای که دیروز در صحرای کربلا حضرت عباس(ع) به دفاع از حریم اهل بیت(ع) و خواهر مقدسه‌اش بر عهده داشت، او آمد این وظیفه را چه زیبا بر عهده گرفت و پر افتخار به اتمام رساند و نگذاشت گَرد اهانت و جسارت بر دامن بارگاه کبریایی حضرت زینب(س) و حضرت رقیه(س) بنشیند | دفاع از حریم اهل بیت و الهام گیری از کربلا |
| شما مجاهد هستید و برای جهاد آمده اید. این یک اجر بالایی دارد و کسی نمی تواند آن را قیمت گذاری کند و اجر ویژه ای دارد. | جنگ جهاد بود |
| ملی‌ترین از جنگ خودمان نداریم، شیعه، سنی، کرد، بلوچ، فارس، قومیت‌های مختلف از شهرهای مختلف در آن حضور داشتند، با یک صمیمیت عجیبی بودند. | وحدت در 8 سال دفاع مقدس |
| خانواده شهدا بعضی از این فرزندان شهدا را می‌بینید، سیمای آنها سیمای پدرشان است، فقط همین باشد، قابل احترام، بوییدن و بوسیدن است، به راحتی از کنار آن عبور نکنید، فقط به قبور توجه نکنید، به پدر و مادرشان و همۀ‌ اینها باید توجه کنید | احترام به خانواده شهدا |
| حقیقتاً شاید اگر ما بخواهیم در بین الگوها و اسوه‌های جنگ یک معرفی‌های جامعی داشته باشیم شاید جامعیتی که در این فرماندهان شهید ما وجود دارد بیش از این طلب بکند که ما پیرامون آن پردازش انجام بدهیم | الگو بودن فرماندهان جنگ |
| خداوند به همۀ ما توفیق بدهد که یاد و خاطرۀ شهیدان‌مان را و آن دوران بسیار ارزشمند را همیشه در دل و جان و یاد خودمان زنده نگاه بداریم چه با این یادواره‌ها و چه بدون این یادواره‌ها. خداوند به همۀ ما توفیق بدهد که ما بتوانیم همانطوری که شهیدان ما دِین خودشان را به این انقلاب و اسلام و تشیع و ولایت اَدا کردند ما تا آخر عمرمان سرباز مخلص و فداکاری برای اسلام، برای ولایت و تشیع باشیم | زنده نگاه داشتن یاد شهدا و تاثیرپذیری از آن |
| و خواهران محترم که عموماً راه شهدا دنبال می‌کنید، دنبال هستید مثل آنها شوید مرحبا به این همت و این تلاشی که شما انجام می‌دهید | پیروی از شهدا |
| بزرگترین اصلی که در ذهن شهدای ما و امام(ره) ما بود محور تحول معنوی بود | معنویت. |
| در جبهه دفاع مقدس فرماندهان شهید ما قله بودند و دامنه های این قله ها سرسبز و پر از معنویت شد، به طوری که امروز مردم در قالب راهیان نور به جبهه می روند و جای پای آن ها را می بوسند که دلیلش همان قله های برافراشته است | شهدای دفاع مقدس قله های برافراشته هستند |
| من سالها است از کاروانی به جا ماندهام و پیوسته کسانی را به سوی آن روانه میکنم، اما خود جا ماندهام | آرزوی شهادت |
| اینکه باید مدیریتی که در دوران دفاع مقدس لحاظ شد را در جامعه پیاده کرد، تصریح نمود: باید به نحوی پیش رفت که معنویت در جامعه رونق پیدا کند | حفظ معنویت دوران دفاع مقدس |

**گفتمان دفاع مقدس**

مکتب و گفتمان شهید سلیمانی بیش از هر چیزی از دفاع مقدس تاثیرپذیرفته است. او بعــد از پیروزی انقــلاب اسلامی ابتــدا بــه مهابــاد بــرای جنــگ بــا کوملــه و دمکــرات رفــت... و پــس از آن بــه عضویــت ســپاه پاســداران انقــلاب اســلامی درآمــد. بــا شــروع جنــگ تحمیلــی ، ســلیمانی چندیــن گــردان از ســپاهیان کرمــان را آمــوزش داده و بــه جبهه هــای جنــوب اعــزام می کنــد و کمــی بعــد، خــود در صــدر یــک گروهــان بــه سوســنگرد اعــزام شد تــا از پیشــروی رژیــم بعــث در جبهــه مالکیــه جلوگیــری کنــد. در سال 1360 ســلیمانی به فرماندهی لشکر ثــارالله منصــوب و در طــول دوران دفــاع مقــدس، بــا لشــکر تحــت امــر خــود در عملیات هــای والفجــر8 ، کربــلای ۴ و5، تــک شــلمچه ومرصــاد حضــور موثر داشت. او به همراه لشکر ثارالله جــزو لشــکرهای خــط شــکن ســپاه در ســال های دفــاع مقــدس بود(کاوه، 1398 :18). بیشتر ادبیات به جامانده از شهید سلیمانی در باره دفاع مقدس است. بیشتر سخنرانیهایش در سالگردها و مراسم مربوط به شهداء و فرماندهان شهید ارائه شده است. از نگاه شهید سلیمانی هشت سال دفاع مقدس بیشترین شباهت با کربلا دارد و به رشد و تقویت گفتمان انقلاب اسلامی ایران در سطح ملی، منطقه ای و جهانی کمک کرده است. دفاع مقدس توانست عنصر هویت ساز ایرانی و اسلامی را در جمهوری اسلامی ایران تقویت کند که یک عنصر و عامل قدرت برای ایران محسوب می شود.

جهاد، شهادت، ایثار، جانبازی ، مقاومت و غیره، همه و همه معانی گفتمانی دفاع مقدس بودند که در طی آن دوره، در سطح ملی و بین­المللی برای ایران هویت­بخش و قدرت­آفرین بودند. اکنون این معانی به معانی گفتمانی مقاومت در منطقه و نزد گروههایی مانند حزب الله لبنان ، انصارالله یمن و گروههای مقاومت عراقی و سوری تبدیل شده است. امروز این گروهها با همین معانی گفتمانی شناخته می شوند و برای ایران عمق راهبردی محسوب میشوند.

در خلال هشت سال دفاع مقدس، ایران نشان داد که دارای برگ برنده­ی مهمی در زمینه­ی عناصر معنوی قدرت دارد. آنچه که در این دوران توانست ما را مقاوم کند، روحیه ی معنوی بالا یا همان ویژگیهای غیرمادی قدرت بود. بسیج، سپاه و ارتش ما قهرمانانه با الهام از آموزه های اسلام، به نبرد دفاعی علیه دشمن پرداختند.  
بن مایه های گفتمان انقلاب اسلامی، مانند عدالت جویی، حق طلبی، مبارزه با ظلم و استکبار، زبان مقاومت، دفاع در مقابل تجاوز، نفی ساختار ناعادلانه ی نظام بین الملل، وحدت اسلامی، انقیاد نسبت رهبری دینی و غیره، همه در طول هشت سال دفاع مقدس نیز قابل مشاهده است. گفتمان مقاومت در ادامه گفتمان دفاع مقدس با تاکید بر آموزه‌های اسلامی و نفی هرگونه وابستگی به بیگانگان بر استقلال‌طلبی و مقابله با گفتمان سلطه بر کشورها و مناطق اسلامی تأکید دارد. مهمترین آموزه­های این گفتمان که شهید سلیمانی در راس آن قرار دارد عبارتند از:

1- مبارزه با فتنه مذهبی و طایفه‌ای: ایجاد درگیری‌های مذهبی و طایفه‌‌ای در کشورهای منطقه بعد از 11 سپتامبر به صورت جدی در اولویت آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفت. افغانستان، پاکستان، عراق و لبنان نقاط بحرانی بودند که پتانسیل‌های این فتنه را داشته و هدف اصلی هم ضربه به منافع جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت بوده است. در این چارچوب برای خنثی‌سازی این فتنه، دیپلماسی نظام جمهوری اسلامی ایران منطبق بر بیانات مقام معظم رهبری «اصل همدلی امت اسلامی» به صورت فعال در آمد و تلاش‌های زیادی نیز در این راستا صورت گرفت که دستاوردهای خوبی، هم برای مقاومت و هم برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشت.

2- تشکیل جبهه مشترك ضد استکباری

این جبهه دستاوردهای برجسته­ایی در سالهای اخیر داشته که مهمترین آنها علاوه بر متوقف و زمين‌گير کردن دشمن در منطقه عبارتند از:

الف- ایجاد و تقویت روح مبارزه، مقاومت و ایستادگی در ملت‌های جهان برای مبازه با آمریکا

ب-  صدور فرهنگ و تفکر مقاومت و الگو دهی بسیج و حرکت مردمی به تمام ملت های آزاده

ج-  تحقیر قدرت های پوشالی به ویژه امریکا و شکست نظام دو قطبی

د-  ایـجـاد اعتماد به نفس در امت اسلامى براى حرکت به سوى آینده اى روشن

ه-  بیداری ملتهای ستمدیده جهان و احیای جنبش های ضد استکباری

**تحلیل تبار­شناسی یافته­ها**

بر مبنای تبارشناسی فوکو که وی آن را روشی برای شناسایی قدرت یک گفتمان و شاید تنها روش کارآمد برای دست­یابی به این هدف می­داند(حسین­ زاده یزدی،21:1391). در گفتمان شهید سلیمانی، قدرت تنها به خاطر ویژگیهای یک شخص یا به خاطر آموزش­دیدگی افراد، ورزیدگی و تجربه، استفاده از سلاحهای مدرن و تعداد نیروها نیست. این خصوصیات ویژگیهای قدرت در سطح معمول، تجربی و عملیاتی است که امکان ایجاد آن در افراد هر جبهه­ایی وجود دارد. قدرت و تاثیرگذاری ویژه گفمان شهید سلیمانی، معنوی و نظری است. همانگونه که فوکو قدرت را به دو گونه تجربی( empirical) و نظری (theoretical) تقسیم می­کند(حسین زاده یزدی،23:1394). در بعد تجربی قدرت گفتمان شهید سلیمانی همانند قدرت معمول در جبهه هاست ولی در بعد معنوی و نظری قدرت این گفتمان برگرفته از پیشینه و تباری است که از آن برخوردار است و ریشه در گفتمان دفاع مقدس، انقلاب اسلامی و گفتمان عاشورا دارد. این قدرت شکست ناپذیر است چرا که پیروزی و شکست ظاهری و حتی شهادت را پیروزی می­داند و برای رسیدن به هدف و پیروزی مادی و ظاهری در جبهه­ها از شهادت استقبال می­شود. فهم جملات دعاگونه­ایی که شهید سلیمانی در پایان بیشتر سخنرانیهایش می­گوید و از خداوند طلب شهادت و پیوستن به یاران شهیدش می­کند در همین نکته است. این گونه روحیه و معنویت بر خلاف فهم­های ظاهری و دنیوی هیچ ترس و دغدغه­ایی از کشته­شدن ندارد بلکه رسیدن به هدف و پیروزی به هر شکل ممکن ولو با شهادت دغدغه اصلی آن است.

تبارشناسی همچنین بر خلاف تاریخ نگاری سنتی که تداومها و استمرارها را مد نظر دارد، به صورت رویدادی و چشم­اندازی به هویت پدیده­ها ورویدادهای بی­همتا تاکید می­کند. این مفهوم در تبارشناسی فوکو مرکزی است و این امکان را فراهم می­کند تا از نفوذ مفاهیمی مثل تداوم در تحلیل تاریخی جلوگیری کند(حسین­زاده یزدی،21:1394). بر این اساس پیشینه و تبار گفتمان شهید سلیمانی تداوم تاریخی نیست بلکه حوادث و رویدادهایی بی­همتاست که موارد مشابه در تاریخ ندارد. معنای انقطاع و گسست تاریخی فوکو در خصوص تبار گفتمان شهید سلیمانی این است که کربلا علیرغم تاثیرگذاری زمانی، تاریخی و مکانیش، پدیده و رویدادی بی­همتاست که هویت و ویژگی خاص خود را دارد. هویت گفتمان شهید سلیمانی بر این اساس، فردی و شخصی نیست و ریشه­اش به رویدادهای بی­همتا با عمق، معنا و شاخصهایی خاص بر­میگردد. فهم حقیقت این هویت با توجه به فهم هویت و حقیقت گفتمانهای قبلی آن ممکن می­گردد. به عنوان مثال معنای واژه­های شجاعت،شهادت، اخلاص، فداکاری و…در گفتمان شهید سلیمانی بر مبنای تبار و پیشینه آن مشخص می­شود که تاثیر، قدرت وروحیه خاصی به افراد معتقد به آن می­دهد.

**3- نتیجه گیری**

همانگونه که ازگزاره­های انتخابی پیداست، گفتمان شهید سلیمانی از یک طرف از تغییر شکل و بازپردازی گفتمان 8 سال دفاع مقدس با ادبیات، نمادها و نشانه­های آن ارتباط تام دارد و از طرف دیگر، این گفتمان بسیاری از مفاهیم، الگوها و نشانه­هایش را از گفتمان عاشورا، کربلا و قیام امام حسین ع گرفته است. ادبیات شهید سلیمانی مملو از کلماتی همچون کربلا، امام حسین ع مظلومیت و غربت کربلا، نام شهیدان و فرماندهان دفاع مقدس و مدافعین حرم است. سخنرانیهای ایشان عمدتا در مراسم شهدا، سالگردها و یادواره­های آنها ایراد شده است. تبار و پیشینه گفتمان شهید سلیمانی به عبارتی هویت این گفتمان به ارزشها و هویت دفاع مقدس و انقلاب اسلامی و گفتمان امام خمینی هم برمی­گردد که خود اینها شعبه­هایی از گفتمان عاشورا هستند. در این گفتمان، شهادت به معنای باختن و از دست دادن جان نیست بلکه رسیدن به حیات جاوید و رضوان الهی است. جانبازی و ایثارگری همانگونه که شهید سلیمانی می­گوید، نعمت و سعادت است. ایشان از همگان می­خواهد که علاوه بر آشنایی نزدیک با این مفاهیم، ادامه دهنده و پیرو آن باشند. حقیقت، هویت، معانی و قدرت گفتمان شهید سلیمانی نه بر مبنای ویژگیهای مادی و معمول هویتی و مولفه­های تشکیل دهنده قدرت بلکه باید بر مبنای تبار و پیشینه آن شناسایی و معنا شود. در این گفتمان حد و مرز شجاعت تا بی­نهایت و اشتیاق به شهادت برای رسیدن به هدف گسترده می­شود. مدیریت میدانی در این گفتمان با اخلاص، فداکاری و رسیدن به کمال عجین است. در اجزاء آن، خصایص، معانی و پیوستگی مادی و معنوی و ظاهری و باطنی وجود دارد که باید با هم معنا و شناخته شوند.

گفتمان همچنین باید کارکرد و تاثیر داشته باشد و حرکت­آفرین باشد. گفتمان شهید سلیمانی به پیروان وادامه­دهندگان آن روحیه و انگیزه به سمت ایثار و فداکاری به سمت آرمانها و اهداف مقدسش می­دهد. این گفتمان در سه بعد شخصی و فردی، اجتماعی و مبارزه، معنوی و روحی تحول­آفرین است. در بعد شخصی فرد معتقد به آن همانند خود شهید سلیمانی، در مقام بالای اخلاص، تعبد و معنویت است. در بعد اجتماعی دهها مفهوم روحیه بخش و انگیزه آفرین و در بعد منطقه­ایی پیوستگی و وحدت ایجاد کرده است. بر مبنای پیوستگی اجزاء مختلف گفتمان، نمادهای هر جزء و بخش این گفتمان در مناطق مختلف نماد کل گفتمان محسوب می­شود. شهید سلیمانی از شهدای فلسطین، لبنان و عراق و سوریه نام می­برد و تفاوتی بین آنها با شهدای 8 سال دفاع مقدس و سایر شهدای ایران نمی­بیند. از نظر ایشان شهید مغنیه با شهید نمادهای مشترک گفتمان مقاومت هستند و این به معنای فرامرزی بودن گفتمان ایشان است. علاوه بر این کل این هویت و گفتمان را در امتداد کربلا و در ادامه مسیر آن می­داند. ایشان حرکت انصارالله یمن را به تاسی از قیام امام حسین ع می­داند و انگیزه حشدالشعبی عراق را هم در قدرت مقاومت خودش و اساس قدرت مقاومتش، از جایگاه ارزشمند کربلا می­داند.

**منابع**

1- آقاگل زاده، فردوس.( 1385 ). **تحليل گفتمان انتقادي**. تهران: انتشارات علمي و فرهنگي.

2- اسمارت، بری. (1385) . **میشل فوکو**، ترجمة ليلا جوافشاني و حسن چاوشـيان. چاپ دوم. تهران: کتاب امه.

3- بانک اطلاعاتی شهید سلیمانی در سایت دانشکده و پژوهشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه امام حسین ع. آدرس اینترنتی: Mgt.ihu.ac.ir .

4- جهانیان،رمضان و شفازاده، احمد. (1392). «انقلاب اسلامي و جهاني شدن». نشریه راﻫﺒرد. سال بیست و دوم. شماره 67. تابستان 1392.

5- حاتمی, علی و جبارنژاد، سمیرا. (۱۳۸۵). «تحلیل گفتمان به مثابه یک روش تحقیق در علوم انسانی». در مجموعه مقالات کنگره ملی علوم انسانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

6- حسین­زاده یزدی، مهدی و دیگران. (1394). «تبیین و بررسی مبانی معرفتی تبارشناسی میشل فوکو». غرب­شناسی بنیادی. سال ششم، شماره اول. بهار و تابستان 1394.

7- حمیدی،شقایق و حسنی، احسان.(1395). «تقابل ارزشهای دینی در گفتمان حسینی و یزیدی». آیت بوستان(پژوهشنامه معارف حسینی) دوره یکم. شماره 2. تابستان 1395.

8- درﻳﻔﻮس، ﻫﺒﻮﺑﺮت و راﺑﻴﻨﻮ، ﻳﻞ. (1379) . **ﻣﻴﺸﻞ ﻓﻮﻛﻮ، ﻓﺮاﻧﺴﻮي ﺳﺎﺧﺘﺎر ﮔﺮاﻳﻲ** . ﺗﺮﺟﻤﻪ دﻛﺘﺮ ﺣﺴﻴﻦ ﺑﺸﺮﻳﻪ. ﺗﻬﺮان: ﻧﻲ.

9- رضایی جعفری، محسن و دیگران(1395). «گفتمان انقلاب اسلامی ایران و الزامات اشاعه ارزشهای آن در عصر جهانی شدن بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه». فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی. دوره ششم. شماره 20. پاییز1395.

10-سايمونز، جان. (1390). **فوكو و امر سياسي.** ترجمة كاوه حسين زاده. تهران: رخداد نو.

11-شعیری، حمیدرضا. (1388). «مبانی نظری تحلیل گفتمان، رویکرد نشانه-معناشناختی». پژوهشنامه فرهنگستان هنر. شماره 12. بهار1388.

12-شیرازی، علی.(1398). **شاخص­های مکتب شهید سلیمانی**. قم: نشر خط مقدم.

13-ضیمران، محمد. (1381). **میشل فوکو: دانش و قدرت.** تهران: هرمس.

14- عیسی‌نیا، رضا. (1386). **انقلاب و مقاومت اسلامی در سیره‌ی امام خمینی.**تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.

15-فرقانی، محمدمهدی. (1382). **راه دراز گذار (بررسی تحول گفتمان سیاسی در ایران).** تهران: فرهنگ و اندیشه.

16-فوکو، میشل.(1388). **دیرینه شناسی دانش**. ترجمه عبدالقادر سواری. تهران: گام نو.

17-کاوه، ناصر(1398). **سرباز ولایت، من قاسم سلیمانی هستم.** تهران: نوآوران سینا.

18- کچوئیان، حسین و زائری، قاسم(1388). «ده گام اصلی روش شناختی در تحلیل تبارشناسانه فرهنگ با اتکاء به آراء میشل فوکو». راهبرد فرهنگ. شماره هفتم. پاییز 1388.

19- محمدی،محمود.(1392). «اسلام گرایی: گفتمان مقاومت، فصلنامه جامعه شناسی تاریخی». دوره 5. شماره2. پاییز و زمستان 1392.

20- موسوی خمینی، روح­الله.(1378). **صحیفه امام (22 جلدی)**. چاپ اول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

21-مک‌دانل، دایان. (1380). **مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمانی.** ترجمه حسینعلی نوذری. تهران: فرهنگ گفتمان.

22-منصوریان، محمد کریم.(1381). **روشهای کیفی و کمی در علوم اجتماعی**. شیراز: نوید شیراز.

23-مرتضوي، جمشيد. (1352). **روش هاي جامعه شناسي.** تهران: مؤسسه تحقيقات اجتماعي و علوم انساني،.

24- نظری، علی اشرف و دیگران. (1397). «بازفهمی هویتهای تاریخی از موضع روش تبارشناسانه با تاکید بر نظریه فوکو». فصلنامه رهیافتهای سیاسی و بین­المللی. دوره دهم، شماره . زمستان 1397.

25-نوذری، حسینعلی. (1380). فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ نگاری. تهران: طرح نو.

**Genealogy of resistance discourse in Shahid Soleimani school**

**Abstract**

Throughout history, we have always witnessed the construction of discourses on various grounds, such as religion and ideology, nationalism, and the struggle against occupation and aggression.The discourse and the school of shahid Solaimani is the discourse of resistance that has been formed against the power of the oppressors and the arrogant and can be studied and explained from different dimensions.In this study, the data of which are obtained by examining the written and oral literature left by shahid Soleimani, his discourse is examined with a genealogical approach. In short, the discourse of shahid Soleimani along Ashura and Karbala and the continuation of discourse and literature is 8 years of holy defense.This discourse is completely connected with the more general discourse of resistance in the region and with its specific path, symbols, words and special meanings, it started from Karbala and was rebuilt during the eight years of holy defense and then as the discourse of resistance in the region.The characteristics and history of this discourse with a genealogical approach show that its meaning, depth and concepts are determined with better clarity and more precise meaning by understanding its discourse lineage.

**Keywords**: genealogy, discourse, Shahid Solaimani

1. این ده گام خلاصه شده و برگرفته از مقاله ده گام اصلی روش­شناختی در تحلیل تبارشناسانه فرهنگ(1388) از استاد حسین کچوئیان است. [↑](#footnote-ref-1)
2. سایت دانشکده و پژوهشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه امام حسین ع به آدرسMgt.ihu.ac.ir بانکی اطلاعاتی در باره شهید سلیمانی ایجاد کرده که در آن مجموعه مطالب و سخنرانیهای ایشان، همچنین کتب، مقالات، سخنرانیها و...در باره این شهید بزرگوار گردآوری کرده است. جملات شهید سلیمانی، از سخنرانیها ومطالب مکتوب شده و صوتی موجود در این سایت انتخاب شده که مجموعه­ایی تقریبا جامع است. [↑](#footnote-ref-2)